علامه طبرسی

زندگی و اندیشه ها

اعظم بابایی

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگی و اندیشه های علامه طبرسی

نویسنده:

اعظم بابایی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگی و اندیشه های علامه طبرسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : بابایی، اعظم، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور : زندگی نامه علامه طبرسی/اعظم بابایی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۹۶ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۳۱-۳

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : طبرسی، فضل بن حسن، ۴۶۸ - ۵۴۸ ق.

موضوع : مفسران شیعه -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۹۲/۸ /ط۱۸ ب۲ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۲۰۳۲۰

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

دیباچه

دیباچه

توجه دادن مخاطبان به عوامل و مصداق های سعادت و معرفی زندگی مصلحان برای ایجاد انگیزه تفکر و تدبّر در اندیشه بزرگان از رسالت هـای خطیر رسـانه ملی است. آزاد اندیشـی، بلنـدنگری، سـعهصدر، عفت قلم و انصاف در پژوهش از ویژگی های برجسته علامه طبرسـی بود که در آثار او از جمله معجم البیان به چشم می خورد. ایشان در عصری که مناقشه های مذهبی از حد قلم و زبان می گـذشت، با احیای انـدیشه دینی، و وحدت فکری و تفاهم مذهبی، به دور از تعصب های پوچ و با به کار بسـتن سـلاح اندیشه و استدلال، زمینه تفاهم و وحدت را میان مسلمانان فراهم کرد.

در بزرگداشت فرزانگان جامعه باید راهی را که به آنان پیموده اند، پیش پای روندگان قرار گیرد و راز کمال ایشان باز جسته شود. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما نیز با همین هدف کوشیده است با معرفی بخشی از خدمات بزرگی که این عالم پرنشاط در زنـدگی اجتماعی و سیاسـی خویش انجام داده است و انتخاب بهترین شـیوه و بلنـدترین زبان ها، غبار غربت و انزوا را از این حقایق درخشان بزداید.

از نویسنده این اثر، اعظم بابایی سپاس گزاریم و امیدواریم این نگاشته برای مدیران و برنامه سازان رسانه ملی سودمند باشد.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۰

ص: ۱۱

پیش گفتار

پیش گفتار

ستارگـان بسـیاری آسـمان تمـدن اسـلامی را روشن کرده انـد که هریک از آنان، می تواننـد راهنما و هـدایتگر جوینـدگان حقیقت باشـند؛ ستارگان درخشانی چون مفسران، محدثان، فقها و دانشمندان مسلمان که هر یک در دوره ای درخشیده اند و تا ابد روشنگر راه حقیقت هستند.

بررسی زندگی و شخصیت این دانشـمندان و شـناخت هویت آنها، پیشـینه فرهنگ ایرانی را اثبات می کند و به برکت خدمات این دانشمندان، اسلام از چنان پشتوانه علمی و فرهنگی قدرتمندی برخوردار است که پناه بردن به الگوهای بیگانه را بی نیاز می کند.

بر این اساس، مرکز پژوهشـهای اسـلامی صدا و سـیما با همکاری مؤسـسه پیشـرایان با همت و کوشـش پژوهشـگرانی همچون خانم اعظم بابایی، مطالعه زندگی دانشمندان را به انجام رسانده است که اثر پیشرو یکی از این آثار است.

علامه طبرسـی، از دانشـمندان بزرگ اسـلامی است که در بیشتر حوزه های علوم اسلامی وارد شده و شایستگی خویش را نیز اثبات کرده است. وی در زمینه هـای گوناگون علوم اسـلامیماننـد فقه، تفسـیر و کلام، کتاب هایی نگاشـته است. از مهم ترین آثار وی، تفسیر مجمع البیان است که در نوع خود، کم نظیر و حتی بی مانند است.

ص: ۱۲

قرن ششم هجری، قرن تفسیر است و در این قرن، در تمامی نحله های فکری اسلامی، تفسیری به رشته تحریر درآمده است. راز جاودانگی تفسیر علامه در میان اهل سنت و شیعه، برتری کلام، استادی در سخن، دانش گسترده و رعایت تعادل در نقل اندیشه هاست.

در دوران زندگی علامه طبرسی، مذاهب و نحله های گوناگون اسلامی، درگیر قدرت طلبی های سیاسی و جناح بندی های فکری و عقیدتی خود بودند و بازار تعصب و کوته نظری گرم بود. در چنین عصری، عالم دانا و دوراندیشی چون طبرسی، قرآن کریم را محور کار و تحقیق خود قرار داد و در نقل اندیشه ها با رعایت تعادل، در ایجاد وحدت میان مسلمانان کوشید.

هدف از این پژوهش، مطالعه زندگی علامه طبرسی و بیان جنبه های شخصیتی وی و شناساندن آن به جوانان عزیز ایران است. امید است گامی هر چند کوچک، ولی مؤثر در این زمینه برداشته باشیم.

ص: ۱۳

فصل اول: زندگانی علامه طبرسی

اشاره

فصل اول: زندگانی علامه طبرسی

زیر فصل ها

ولادت

زادگاه طبرسی

دوران کودکی و نوجوانی

سفر

خاندان طبرسی

وفات یا شهادت

آرامگاه علامه

ولادت

ولادت

ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، ملقب به «امین الدین» و «امین الاسلام»، در سال ۴۶۸ یا ۴۶۹ه . ق دیده به جهان گشود. سال ولادت طبرسی، جز در ریاض العلماء، اثر افندی و روضات الجنات، نوشته خوانساری، در جایی دیگر بیان نشده است و به ظاهر، نویسنده روضات نیز از ریاض العلماء نقل کرده است.

در این دو کتاب، تاریخ ولادت طبرسی، بین سال های ۴۶۰ تا ۴۷۰ هجری قمری بیان شده است. سخن صاحبِ ریاض العلماء در این باره چندان معتبر نیست؛ زیرا منبع مورد اعتمادی بیان نشده و سال فوت وی نیز که از همان منبع نقل شده، مردود است. با این حال، چون سندی دیگر که سال ولادت علامه طبرسی را نشان دهد، در دست نبود، به ناچار، به آثار بازمانده وی رجوع شد.

«علامه در مقدمه مجمع البیان، ضمن تألیف این تفسیر گفته است : «و قَد ذَرفَ سِنّی علی الستیین؛ سال عمر من بر شصت (۶۰) فزونی یافته است.» فعل «ذَرَفَ» وقتی بر سر سال عمر درمی آید، دلیل بر این است که سال عمر، اندکی فزونی یافته و از این رهگذر چنین استنباط می شود که طبرسی به هنگام تألیف مجمع البیان، ۶۱ یا

ص: ۱۴

۶۲ ساله بوده است. در پایان مجلد اول از مجلدات ده گانه مجمع البیان چاپ صیدا اشاره کرده است که مجلد اول در سال ۵۳۰ پایان یافته است. بدین ترتیب، سال ولادتش ۴۶۹ یا ۴۶۸ می تواند باشد و چون فوت وی نیز چنان که خواهد آمد به سال ۵۴۸ روی داده، ازاین رو، سال عمر وی بر ۷۹ یا ۸۰ سال بالغ می گردد. بنابراین، سال ولادت، مدت عمر و سال فوت وی که در ریاض العلماء از شاگردان مولی عبدالله خراسانی نقل شده، درست نمی نماید».(۱)

زادگاه طبرسی

زادگاه طبرسی

شیخ طبرسی، اهل تفرش از توابع استان مرکزی است که در قرون پیش، از توابع قم به شمار می رفت. البته می توان گفت طبرسی هیچ گاه در تفرش اقامت نداشته و در آنجا نیز متولد نشده، بلکه تفرش، محل ولادت اجداد اوست.(۲)

درباره زادگاه طبرسی اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف، به واژه طبرسی و چگونگی تلفظ آن مربوط می شود. برخی آن را طَبَرسی، به فتح طاء و باء و سکون راء می دانند و آن را به طبرستان (مازندران) منسوب می کنند. گروهی دیگر آن را طَبرِسی، به فتح طاء، سکون باء و کسر راء تلفظ می کنند و معتقدند طَبْرِس، معرب تفرش است. بنابراین، گروهی، طبرسی را اهل طبرستان و گروهی دیگر اهل تفرش می دانند.

دوران کودکی و نوجوانی

دوران کودکی و نوجوانی

روشن نیست فضل، کودکی اش را در تفرش گذرانده یا مشهد، ولی بی شک، روزگار جوانی اش را در مشهد گذرانده و به یادگیری علوم متداول عصر

۱- حسین کریمان، طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۷. (در این کتاب، دکتر حسین کریمان درباره سال ولادت طبرسی تحقیق کاملی انجام داده که مورد قبول پژوهشگران قرار گرفته است.)

۲- حسین کریمان، طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۸.

ص: ۱۵

پرداخته تا آنکه در همه رشته های علمی از ادبیات عرب تا حدیث، فقه، اصول، تفسیر و حتی جبر و مقابله تبحر یافته است.(۱)

فضل بن حسن، فراگیری دانش را با رفتن به مکتب آغاز کرد و پس از چند سال حضور در مکتب و فراگیری خواندن و نوشتن و قرائت قرآن، خود را برای فراگیری علوم اسلامی و شرکت در جلسه درس بزرگان دین آماده کرد.

در آن دوره، تدریس علومی مانند قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و کلام، در مدارس علمیه رواج داشت و شیفتگان دانش را به سوی خود جلب می کرد. آشنایی و اطلاع کافی از زبان و ادبیات عرب، پنجره ورود به دنیای علوم اسلامی بود و یادگیری آنها نیز از شرایط اصلی آغاز تحصیل شمرده می شد.

فضل پس از ورود به یکی از مدارس علمیه مشهد، علومی همچون صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع را که از اصول زبان و ادبیات عرب است، نزد استادان این علوم به خوبی آموخت و در آن رشته ها صاحب نظر شد. سپس در جلسه درس استادان علوم اسلامی شرکت کرد و برای فراگیری دانش الهی بسیار کوشید تا در آینده، با دستانی پر و قلبی سرشار از دانش الهی، جرئت نگارش تفسیر بزرگ کلام الهی را داشته باشد و به حق، در این راه سربلند شد.

در مدارس آن عصر، دانش هایی مانند حساب، جبر و مقابله رایج نبود و کسی به فراگیری آن رغبت نداشت. با این حال، فضل بن حسن به یادگیری آن علوم پرداخت و در آن علوم نیز صاحب نظر شد.(۲)

علی بن زید بیهقی در این باره می نویسد:

و این امام در نحو، فرید عصر بود و در علوم دیگر به درجه افادت رسیده ... و در علوم حساب و جبر و مقابله، مشارالیه]مورد توجه[بود.(۳)

۱- علی دوانی، مفاخر اسلام، ج۳، ص ۴۱۰.

۲- محمدباقر پورامینی، دیدار با ابرار، (علامه طبرسی)، صص ۴۲ ۴۴.

۳- علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح: احمد بهمنیار، ص ۲۴۳.

ص: ۱۶

سفر

سفر

در تاریخ بیهقی آمده است:

ایشان در مشـهد سـناباد طوس متوطن بوده انـد و ... به قصـبه (سبزوار) انتقال کرد؛ [در] سـنه ثلاث و عشـرین و خمس مأئه (۵۲۸) و اینجا متوطن گشت و مدرسه دروازه عراق به اسم او بود.(۱)

ابوعلی فضل بن حسن، حدود ۵۴ سال در مشـهد اقامت داشت. با نفوذی که سادات آل زباره در این شهر داشتند، وی در آن دیار با عزت و احترام بسـیار زندگی کرد. سپس در سال ۵۲۳ از مشـهد به سبزوار رفت و تا پایان عمر مبارکش؛ حـدود ۲۵ سال در سبزوار زندگی می کرد.(۲) ابـوعلی در سـبزوار، مـدیریت مـدرسه دروازه عراق را بر عهـده گرفت و به تـدریس علوم گونـاگون و تعلیم و تربیت شـاگردان بزرگ و تألیف کتاب های نفیس پرداخت. امروزه شاگردان شـیخ طبرسـی از نامورترین دانشـمندان شـیعه و کتاب هایش جزو آثار برجسته علوم و فنون اسلامی به شمار می روند.(۳)

دلایل مهاجرت شیخ طبرسی از مشهد به سبزوار را این گونه بیان کرده اند:

۱. وجود اختلاف های بسیار میان امیران سلجوقی در شهرهای گوناگون به ویژه در مرو؛ مرکز خراسان؛

۲. فوت وزیر معین الـدین بن نصـر احمـد بن فضـل بن محمود، وزیرِ سـلطان سـنجر، فرزنـد ملکشاهِ سـلجوقی که از سال ۴۹۰ حاکم خراسان بود.

۳. هجرت بزرگان آل زباره به بیهق.(۴)

۱- علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی، تصحیح: احمد بهمنیار، ص ۲۴۲.

۲- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳- مفاخر اسلام، ص ۴۰۹.

۴- غلامرضا جلالی، با مشاهیر مدفون در حرم امام رضا۷، مشهد، ص ۲۸۱.

ص: ۱۷

خاندان طبرسی

خاندان طبرسی

خانـدان طبرسـی از عالمـان دین بوده و برای هر یـک آثـاری بیـان کرده انـد. آنان با خانـدان بزرگ آل زباره در نیشابور و سبزوار، خویشاوندی داشته اند. برخی بزرگان خاندان وی عبارتند از:

۱. شـیخ رضـی الـدین ابو نصـر حسن، پسـر ابوعلی از علمای بزرگ شـیعه در قرن شـشم و نویسـنده مکارم الاخلاق و جامع الاخبار. ابونصر از فضایل و کمالات معنوی بهره مند بود و محدث قمی از او به عنوان فاضل کامل، فقیه، و محدث بزرگ یاد می کند.(۱)

۲. علی طبرسـی، پسر دیگر ابوعلی که به قول صاحب ریاض العلماء، به این مناسبت، نویسنده مجمع البیان را «ابوعلی» گفته اند. وی به ظاهر تألیفی ندارد.

۳. علی بن حسن، نواده ابوعلی که از علمای بنام عصر خود و نویسنده کتاب مشکاه الانوار است.

۴. ابومنصور، احمد بن علی بن ابی طالب، از عالمان بنام معاصر ابوعلی، نویسنده کتاب الاحتجاج. نویسنده ریاض العلماء در ترجمه ابوعلی، احتمال خویشاوندی میان این دو را داده است.(۲)

وفات یا شهادت

وفات یا شهادت

علامه طبرسـی، در شب دهم ذی حجه سـال ۵۴۸ه . ق در سـبزوار چشـم از جهـان فرو بسـت.(۳) در منـابعی ماننـد ریاض العلماء و روضات الجنات، سال ۵۰۲ه . ق، سال وفات طبرسی بیان شده است، ولی این نظر درست نیست؛ زیرا مجمع البیان در سال ۵۳۹ه . ق نگاشته شده است.

۱- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۲۸۵.

۲- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۱۸.

۳- تاریخ بیهقی، ص ۲۴۲.

ص: ۱۸

برخی منابع دیگر، تاریخ متفاوتی را بیان کرده اند، ولی در منابع معتبر دیگری مانند امل الامل، اثر شیخ حرّ عاملی و مستدرک الوسائل، نوشته فاضل نوری، ذی حجه سال ۵۴۸ه . ق به عنوان سال وفات علامه طبرسی بیان شده است. در این میان، سال ۵۴۸ه . ق که علی بن زید بیهقی نقل کرده، به عنوان سال قطعی وفات علامه مورد اعتماد است.(۱)

نکته قابل بررسی درباره وفات طبرسی آن است که برخی نویسندگان، از علامه به عنوان «شیخ شهید» یاد کرده اند. درباره کیفیت شهادت او نیز اختلاف نظر هایی وجود دارد.

علامه نوری صاحب مستدرک الوسائل، علامه خوانساری، نویسنده روضات الجنات و نیز علامه امینی، صاحب شهداء الفضیله و افندی، نویسنده ریاض العلماء، علامه طبرسی را شهید می دانند. افندی در ریاض العلماء می نویسد:

یک نسخه از مجمع البیان را دیدم که با خط شیخ قطب الدین کیدری بوده و آن را نزد خواجه نصیرالدین طوسی خوانده و در پشت آن با خط شیخ قطب الدین کیدری نوشته: «تألیف شیخ الامام الفاضل السعید الشهید ابوعلی فضل....»(۲)

این نویسندگان، چگونگی شهادت طبرسی را بیان نکرده اند، ولی گویا وی با سم به شهادت رسیده است.(۳)

نظر دیگر درباره شهادت علامه طبرسی این است که در سال ۵۴۷ه . ق، طایفه غُز که از عاملان ستمگر سلطان سنجر سلجوقی به تنگ آمده بودند، به نواحی خراسان (مشهد الرضا، توس، مرو، بیهق) و برخی شهرهای دیگر حمله

۱- طبرسی و مجمع البیان، ص ۲۱۱.

۲- ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۴۴.

۳- محمدعلی مدرسی، ریحانه الادب، ج ۳، ص ۴۱.

ص: ۱۹

کردند و بسیاری از رجال و علما و مردم ایران شهید شدند. از شخصیت های بزرگ علمی که در این حمله شهید شد، امین الدین طبرسی بود.(۱)

در منابعی که درباره حمله غُزها سخن گفته اند، از نام علامه در میان شهدای این حمله اثری نیست. برای مثال، ابن اثیر به حمله غُزها به نیشابور و خراسان اشاره می کند و افرادی که شهید شدند، نام می برد.(۲) ولی اسمی از علامه طبرسی در میان آنان نیست. در کتاب جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)، اثر رشیدالدین فضل الله همدانی (متوفی ۷۱۸)(۳) و تاریخ گزیده، اثر حمدالله مستوفی(۴) (تالیف ۷۳۰) نیز در ماجرای حمله غُزها به خراسان از شهادت علامه سخنی به میان نیامده است. افزون بر تاریخ بیهقی،(۵) در جلد پنجم الذریعه،(۶) جلد سوم ریحانه الادب(۷) و التفسیر و المفسرون(۸) اثر محمد ذهبی به وفات علامه اشاره شده است.

استاد جعفر سبحانی نیز در کتاب شیخ طبرسی، امام المفسرین، پس از آنکه واقعه شهادت طبرسی را از افندی (ریاض العلماء) نقل می کند، می نویسد:

این موضوع در هیچ کتاب دیگری قبل از ریاض العلماء نیامده و افندی حدود سال ۱۰۳۴ وفات کرده و صاحب مجمع البیان در سال ۵۴۸. با این حساب بینشان حدود ۵ قرن فاصله است و اگر طبرسی شهید می شد، باید در یکی از منابع قبل آمده باشد. علامه امینی در کتاب

۱- جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه (از کلینی تا خمینی)، ص ۳۲.

۲- «فَرَکَبَ الغُز و دخلوا نیشابور و نهبوها و جعلوها قاعاً صفصفاً و قتلوا اکابر و الصِّغار و احرقوها و قتلوا القضاه و العلماء فی البلاد کلّها ، فمن (قُتِلُ) الحسین بن محمد الارسابندی، القاضی علی بن مسعود. ..» ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۹۶.

۳- رشید الدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ، تصحیح: محمد روشن، صص ۶۴ ۶۹.

۴- حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۴۳۰.

۵- تاریخ بیهقی، ص ۲۴۳.

۶- آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ص ۲۵۷.

۷- ریحانه الادب، ج۳، ص ۴۱.

۸- محمدحسین الذهبی، التفسیر و المفسرون، ص ۱۰۰.

ص: ۲۰

شهداء الفضیله از آن قضیه (شهادت) حرف زده، اما منبع او روضات الجنات خوانساری و ریاض العلماء است.(۱)

بر این اساس، سخن علی بن زید بیهقی، همچنان سند قطعی ما برای اثبات وفات علامه طبرسی است. چنان که اشاره شد، وی تاریخ دقیق وفات علامه را در کتابش آورده است. با توجه به این سند و دیگر مطالب بیان شده، فرضیه شهادت طبرسی باطل است.

آرامگاه علامه

آرامگاه علامه

علامه طبرسی در سبزوار چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش از سبزوار به مشهد منتقل و در نزدیکی حرم مطهر امام رضا(ع) در محلی به نام قبرستان قتلگاه به خاک سپرده شد.(۲)

آرامگاه شیخ طبرسی در فلکه شمالی، در محوطه باغ رضوان واقع شده و خیابان مجاور آرامگاه وی از قدیم، خیابان طبرسی نامیده شده است. این مکان مقدس از آغاز، محل زیارت مؤمنان و شیفتگان مسلمان بوده است. تغییرات عمده ای در محدوده مرقد علامه صورت گرفته است و در سال ۱۳۷۰ براساس طرح توسعه اطراف حرم مطهر، قبر شیخ را حدود صد متر جابه جا کرده و به باغ رضوان انتقال داده اند. عملیات بازسازی مقبره شیخ طبرسی از سال ۱۳۷۹ آغاز شده است و عملیات تکمیلی آن همچنان ادامه دارد.

۱- جعفر سبحانی، شیخ طبرسی، امام المفسرین، ص ۴۴.

۲- تاریخ بیهقی، ص ۴۲؛ ریاض العلماء، ص ۳۴۵؛ روضات الجنات، ج۵، ص۳۵۹؛ مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۴۸۷.

ص: ۲۱

فصل دوم: ابعاد شخصیت علمی و فرهنگی طبرسی

اشاره

فصل دوم: ابعاد شخصیت علمی و فرهنگی طبرسی

زیر فصل ها

۱. آثار طبرسی

۲. طبرسی و علم تفسیر

۳. طبرسی و سیاست

۴. طبرسی و فقه و کلام

۵. استادان علامه طبرسی

۶. شاگردان طبرسی

۱. آثار طبرسی

اشاره

۱. آثار طبرسی

علامه طبرسی کتاب های بسیاری در زمینه علوم اسلامی، تفسیر، سیره، تراجم، عقاید، فقه، اصول، عبادات و ادعیه دارد که در میان آنها، مجمع البیان چون گوهری می درخشد.

الف) کتاب های تفسیری

الف) کتاب های تفسیری

علامه طبرسی سه اثر در زمینه تفسیر دارد که عبارتند از:

یک مجمع البیان لِعلوم القرآن

تفسیری است به زبان عربی در ده جلد و حجم آن کمی بیش از تبیان، اثر شیخ طوسی است. سبک و شیوه تدوین این تفسیر در میان همه تفسیرهای فریقین فارسی و عربی بی سابقه است.

دو الکافی الشّافی

این تفسیر در یک جلد، به زبان عربی و به شیوه ادبی نگاشته شده است. علامه پس از تفسیر کبیر مجمع البیان، به تفسیر الکشاف جار الله زمخشری

برخورد و تفسیر الکافی را بر اساس تفسیر زمخشری بین سال های ۵۳۵ یا ۵۳۷ تا ۵۴۱ نگاشت. او در این کتاب، اختلاف نظرهای خود را با زمخشری توضیح داده است. این تفسیر مورد توجه علما قرار گرفته و در محافل علمی از شهرت بسزایی برخوردار است.

سه جامع الجوامع

طبرسی آن را پس از دو تفسیر دیگر خود (مجمع البیان و الکافی الشافی) نگاشته و برای تنظیم جامع الجوامع از آنها بهره بسیار برده و آن را در ۴ جلد به زبان عربی نگاشته است. وی در مقدمه این کتاب، دلیل نگارش این تفسیر را اصرار بسیار فرزندش، ابونصر الحسن بیان کرده است. سن علامه در زمان نگارش این کتاب بیش از ۷۰ سال بوده است. ابوالقاسم گرجی برتری این تفسیر به الکشاف را چهار مورد دانسته است:

۱. اختصار و حذف زواید و مطالب غیرضروری؛

۲. نقل روایاتی از شیعه که گاهی با تفسیر کشّاف موافق و در بسیاری موارد، مخالف است؛

۳. نقل برخی مطالب زمخشری؛

۴. هنگام اختلاف نظر با آرای معتزله یا نظر زمخشری، آنچه را خود حق می دانسته، برگزیده است.

این تفسیر افزون بر بلاغت و اختصار، سرشار از نکته های علمی و پاسخ مسائل مبهم است و از بهترین تفسیرهای شیعی به شمار می آید. شیخ طبرسی مدت تدوین این تفسیر را از صفر ۵۴۲ تا محرم ۴۵۳، دوازده ماه، به عدد امامان معصوم(ع) بیان کرده است.(۱)

۱- عبدالحسین شهیدی صالحی، تفسیر و تفاسیر شیعه، صص ۱۳۳ ۱۳۶.

ص: ۲۳

ب) کتاب های نحو و لغت

ب) کتاب های نحو و لغت

یک جواهر النحو یا جواهر جمل که برای امیر صفی الدین ابومنصور محمد بن یحیی بن هبه الله حسینی، متوفی در سال ۵۳۹ در بیهق نگاشته است.

دو الباهر، شرح بر کتاب الحماسه ابن فندق در تاریخ بیهق، در شرح حال طبرسی، از این کتاب نام برده است.

ج) کتاب های أنساب و سیره

ج) کتاب های أنساب و سیره

یک تاج المواليد درباره نسب خاندان آل ابی طالب.

دو إعلام الوری یا الأعلام الهدی: علامه طبرسی آن را برای ملک شرف الدین ابی الحسن علی بن شهریار بن قارن، امیر مازندران نوشت. این کتاب در فضایل امامان معصوم(ع) و بر چهار رکن نوشته شده است: ذکر نبی صلی الله علیه و آله ؛ ذکر امیرمؤمنان(ع)؛ سایر ائمه و امامت ایشان و ذکر دوازدهم ایشان.

د) کتاب های اخلاق

د) کتاب های اخلاق

الأداب الدینیه للخزانه المعینه: این کتاب در زمینه اخلاق است که علامه آن را به نام امیر معین الدین ابی نصر احمد بن الفضل بن محمود نگاشته و مشتمل بر ۱۴ فصل است. ابن شهر آشوب در معالم العلماء از این کتاب یاد کرده است.

ه) کتاب های فقهی

ه) کتاب های فقهی

یک معارج السؤال؛ صاحب حیاض العلماء از این کتاب یاد کرده و موضوع آن بیان اصول ائمه اطهار است.

دو کتاب العمده فی اصول الدین: صاحب روضات الجنات از این اثر نام برده و موضوع آن بیان فرایض و نوافل بوده و به زبان فارسی نگاشته شده است.

سه غنیه العابد و مینه الزاهد: شیخ منتجب الدین در فهرست از آن نام برده است.

ص: ۲۴

و) دیگر کتاب ها

و) دیگر کتاب ها

افندی، نویسنده ریاض العلماء به کتاب های دیگری از علامه طبرسی اشاره کرده، ولی موضوع آنها را بیان نکرده است. این کتاب ها عبارتند از:

یک کنذز النجاح: در کتاب المصباح از آن نام برده شده و به احتمال درباره ادعیه و مناجات است.

دو النور المبین: در معالم العلماء از آن یاد شده و موضوع آن بیان نشده است.

سه رساله حقائق الأمور فی الأخبار: افندی، نویسنده ریاض العلماء از آن، بدون بیان موضوع یاد کرده است.

چهار المشکلات: در کتاب دفع المناواه از آن بدون اشاره به موضوع یاد شده است.

پنج عبره السفر و عمدهالحضر.

شش مشکات الأنوار: در کتاب روضات الجنات و دفع المناواه از آن یاد شده و به نقل از این دو کتاب، موضوع آن در اخبار و ادعیه است. به ظاهر، این کتاب غیر از کتاب مشکاه الأنوار فی غررالاخبار است که فرزند شیخ، ابی فضل علی بن شیخ رضی الله ابی نصر آن را نگاشته و این کتاب مشتمل بر اخبار غریبه است.

هفت الفائق: ابن شهر آشوب در معالم العلماء درباره کتاب گفته است: «وهو کتابٌ حَسنٌ».

در نسبت دادن برخی کتاب ها به علامه طبرسی شک و تردید وجود دارد. برخی از این کتاب ها عبارتند از:

۱. نشر اللآلئی که صاحب ریاض العلماء از آن یاد کرده است. درباره کلمات مولی علی است که به شیوه غررالحکم و دررِالکلم آمِدی گرد آمده است.

ص: ۲۵

۲. اسرار الإمامه که در کتاب الذریعه و دفع المناواه از آن یاد شده، ولی صاحب ریاض العلماء در نسبت دادن آن به شیخ طبرسی شک دارد و صاحب روضات الجنات نیز آن را به پسر علامه، حسن بن فضل نسبت داده است.

۲. طبرسی و علم تفسیر

اشاره

۲. طبرسی و علم تفسیر

زیر فصل ها

الف) قرن ششم، قرن تفسیر قرآن

ب) طبرسی؛ مفسر بزرگ شیعه

ج) تفسیر مجمع البیان

د) استفاده از عقل و نقل در مجمع البیان

ه) روش علامه طبرسی در مجمع البیان

و) مصادر مجمع البیان

ز) نظر دانشمندان درباره مجمع البیان

الف) قرن ششم، قرن تفسیر قرآن

الف) قرن ششم، قرن تفسیر قرآن

قرن ششم، از درخشان ترین دوره های علوم قرآنی و آموزه های تفسیری است. در آن مقطع تاریخی، شیعه از شرایط سیاسی و اجتماعی بهتری برخوردار بود. در سایه همین امنیت نسبی، در این قرن، علوم و آموزه های قرآنی رشد و پیشرفت داشت و تفسیرهای مشهور و ارزشمندی نگاشته شد. تفسیر معروف ابوالفتوح رازی، تألیف حسین بن محمد بن احمد خزاعی در چندین جلد، تفسیر قطب راوندی، تفسیر ضیاء فضل بن علی حسن راوندی کاشانی و تفسیر محمد بن احمد بن علی فتال نیشابوری و تفسیر ارزشمند مجمع البیان طبرسی در ده جلد، از جمله بهترین تفسیرها در این قرن هستند.

این قرن را می توان «قرن قرآن و تفسیر» نامید؛ قرنی که تفاسیر جامعی مانند مجمع البیان در آن نگاشته شد. با توجه به شمار تفاسیر این قرن، درمی یابیم که علم تفسیر در این قرن اهمیت و اعتبار داشته و آموزه های تفسیری به کمال و پیشرفت رسیده است.

در این قرن، فرقه های گوناگون شیعه و گروه های مذهبی اهل سنت، اعم از اشاعره، معتزله و متصوفه، تفسیرهایی را با نگرش های مذهبی خود در مقام اثبات و تحکیم عقاید خویش نگاشته اند. تضادهای اعتقادی و برخوردهای کلامی و مجادله های مذهبی در این عصر به اوج خود رسید. نمونه آن، نگارش کتاب النقض، نوشته شهرستانی و پاسخ های بسیار آن است.(۱)

۱- عبدالرحمن عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۳۹۶.

ص: ۲۶

ب) طبرسی؛ مفسر بزرگ شیعه

ب) طبرسی؛ مفسر بزرگ شیعه

طبرسی، از بزرگان شیعیان امامیه است. وی علامه ای فاضل، ادیبی جامع و مفسری فقیه بود که در محضر بزرگ ترین علمای عصر خویش شاگردی کرده بود. تفسیر این عالم بزرگ، سرشار از نکته ها و مسائل مربوط به ادب و لغت و قرائات و نیز دلایل است و به سبب احاطه بر آرای مفسران گذشته، ممتاز است. نویسنده، تفسیر تبیان را مبنای کار خود قرار داده و مسائل و فروعی را بر آن افزوده است. وی در این باره می نویسد:

در گذشته و حال، علما و دانشمندان به علم تفسیر روی آورده اند و در بیان اظهار مکنونات و نهفته آن کوشیده و کتاب های فراوانی در این باره تألیف کرده اند و در بسیاری از آنها به اعماق و ژرفای آن فرو رفته و در توضیح حجت ها و استدلالشان موشکافی کرده اند و در تهذیب ابواب آن تحقیق نموده اند و در فروع و شعب آن گام نهاده اند، اما دانشمندان امامیه جز نوشته هایی مختصر، اثری در تفسیر قرآن تألیف نکرده اند و در آنها هم فقط به ذکر اخبار و احادیث رسیده، بسنده کرده اند و درباره فهم معانی و کشف اسرار نهانی آن شرح و بسط نداده اند، البته به جز شیخ بزرگوار ابوجعفر طوسی در تفسیر تبیان؛ زیرا تفسیر وی کتابی است که حقیقت از آن برمی گیرند و آثار صدق و درستی از آن هویداست و متضمن معانی و مفاهیم و اسرار بدایع قرآن است و در شرح و بسط الفاظ و لغات، بسیار مفصل است، چنان که تنها به جمع آوری و آرایش و تنظیم آنها بسنده کرده و به تحقیق و تبیین آنها نیز پرداخته است و تفسیر وی نمونه و سرمشق ولایی است که من از انوار وی هدایت یافته ام و در بستر او گام برمی دارم.

طبرسی در تفسیر خود، هفت مقدمه آورده و در آنها، تعداد آیات قرآن، اسامی قاریان مشهور، بیان و معرفی تفسیر و تأویل، اسامی قرآن، علوم

ص: ۲۷

قرآنی، فضیلت قرائت و چگونگی تلاوت آیات را بیان کرده و محفوظ ماندن قرآن را از تحریف، زیادت و نقصان اثبات و به اجماع علمای امامیه در این باره اشاره کرده است.(۱)

ج) تفسیر مجمع البیان

ج) تفسیر مجمع البیان

تفسیر بزرگ شیخ طبرسی است که وجه تسمیه آن به درستی معلوم نیست. شاید این نام از تفسیر جامع البیان اثر محمد بن جریر طبری گرفته شده باشد. تفسیر طبری، نخستین تفسیر اهل سنت است که جمیع علوم قرآن در آن جمع آوری شده است، درحالی که تفسیرهای پیش از آن، هر یک در رشته ای خاص از علوم قرآنی نگاشته شده بودند. در مذهب شیعه نیز هر چند تبیان شیخ طوسی، نخستین تفسیر دربردارنده همه علوم قرآنی است، ولی هیچ یک به جامعیت و کمال مجمع البیان نیستند.(۲)

د) استفاده از عقل و نقل در مجمع البیان

د) استفاده از عقل و نقل در مجمع البیان

علامه در تفسیر آیات، از عقل بهره بسیار برده، ولی در بسیاری از موارد، فراتر از عقل گام برداشته و از روایت های معصومین(ع) استفاده کرده است. از ویژگی های برجسته تفسیر مجمع البیان، بسنده نکردن به عقل و توجه کردن به احادیث است که به طور متعادل از منابع عامه و خاصه نقل شده است. علامه طبرسی در مقدمه کتاب تفسیر مجمع البیان، از قول ابن عباس، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: «کسی که بدون علم درباره قرآن چیزی بگوید، خداوند نشیمنگاهش را پر از آتش می گرداند».(۳)

۱- محمدهادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، صص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰.

۳- عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۴.

ص: ۲۸

علامه اهتمام ویژه ای به نقل سندِ روایت دارد و معتقد است تفسیر قرآن کریم به اخبار غیرصحیح جایز نیست و تنها به روایت هایی استشهاد می شود که به نظر وی از صحت سند برخوردار است.(۱) ازاین رو، از تفسیر امام حسن عسکری(ع) روایت نقل نکرده است؛ زیرا استناد این تفسیر به امام حسن عسکری(ع) به نظر علامه درست نیست، هر چند ممکن است این تفسیر در دسترس ایشان نبوده باشد، ولی احتمال بی اعتباری تفسیر قوی تر است.(۲)

ه) روش علامه طبرسی در مجمع البیان

ه) روش علامه طبرسی در مجمع البیان

علامه طبرسی، نخست مکی و مدنی بودن همه سوره ها را و سپس اختلاف ها در عدد آیات و فضیلت قرائت آن سوره را مشخص می کند. پس از بیان اختلاف ها میان قرائت های آیات، دلایل و استدلال های خود را می آورد. همچنین به بیان اعراب لغات و معانی آن و اسباب نزول و داستان های مربوط به آیات می پردازد. بر این اساس، روش علامه در تفسیر، روشی منظم است که شاید در نوع خود، بهترین نوع نظم تفسیری باشد.

علامه طبرسی درباره تفسیرش می نویسد:

به تألیف کتابی آغاز کردم که در نهایت اختصار و تهذیب و شامل همه دانش های مربوط به علم قرائت و نظم و ترتیب بوده و در عین حال، انواع علوم و فنون قرآنی در آن جمع شده باشد و شامل همه دانش های مربوط به علم قرائت، اعراب، لغت و مسائل غامض و

۱- روایت صحیح، در دسته بندی روایات، در دسته روایت های آحاد قرار می گیرد که درجه پایین تری از روایت متواتر دارد.

۲- علی فصیحی، اسباب نزول در تفسیر مجمع البیان، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.

ص: ۲۹

مشکل مفاهیم و معانی وجوه مختلف آنها و علل نفوذ آنها، اخبار و قصص در روایات، حدود و احکام و حلال و حرام و نیز سخن از شبهات مخالفان و استدلال های علمای امامیه و در بحث از جای به جای قرآن بر صحت بر مبنایی اصول و فروع مذهب تمسک جسته و دلایل عقلی و نقلی را بر شیوه اعتدال و اختصار بیان نموده باشد و اندکی فراتر از ایجاز و فروتر از اطناب و زیاده گویی؛ زیرا اذهان مردم در این روزگار، تحمل بار فراوان علوم مختلف را ندارد و از ورود به میدان پرمخاطره احساس ضعف می نماید؛ چرا که از علما جز نامی و از علوم جز اندکی باقی نمانده است؛ مانند باقی مانده روح در جسم ذبح شده... در آغاز، سوره مکی و مدنی بودن آن را یادآور شده ام. پس اختلاف تعداد آیات و فضیلت تلاوت آنها و اختلاف قرائات و علل و استدلال های مربوط به آن را بیان کردم. پس از آن به لغات، اعراب موارد مشکله، اسباب نزول معانی و احکام و تأویلات، داستان ها و ابعاد آن و انتظام و ترتیب آیات پرداخته، پس همه دلائل آشکار و صحبت های واضح و اقوال استوار را در خصوص اصالت عربیت و درستی اعراب و نیز درباره معانی و مشکلات آن آوردم.(۱)

و) مصادر مجمع البیان

و) مصادر مجمع البیان

۱. کتاب معانی القرآن: ابی ذکریا یحیی بن زیاد بن عبدالله بن منظور الدیلیمی الباهلی، معروف به باالفراء (متوفی ۲۰۷ ه .ق)؛

۲. معانی قرآن: ابی حسن سعید بن سعد الماشعی الملقب، بالأخفش الأوسط (۲۱ه . ق) و کتاب مخطوط؛

۳. مجاز القرآن: ابی عبیده معمر بن مثنی (۲۱ ه .ق)؛

۴. جامع البیان عن تأویل ای القرآن: ابی جعفر محمد بن جریر طبری (۳۱۰ه . ق)؛

۱- تفسیر و مفسران، ص ۴۵۲.

ص: ۳۰

۵. جامع التأویل للحکم التنزیل: ابی مسلم محمد بن بحر اصفهانی (۳۲۲ ه .ق).(۱)

۶. انکت فی اعجاز قرآن. ابی حسن بن علی بن عسی الرمانی المعتزلی (۳۸۴ه).

۷. اعراب القرآن و معانیه: ابی اسحاق ابراهیم بن اسدی بن سهل، معروف بالزجاج.

ز) نظر دانشمندان درباره مجمع البیان

ز) نظر دانشمندان درباره مجمع البیان

یک دانشمندان اهل سنت

اول محمدحسین الذهبی

این دانشمند بزرگ مصری، صاحب کتاب التفسیر و المفسرون است. ذهبی در بخشی از کتاب خود به بررسی کتاب های تفسیری شیعه می پردازد. او پس از بررسی جنبه های گوناگون تفسیر مجمع البیان و نقل مقدمات و اهداف نویسنده، مجمع البیان را کتابی بزرگ در زمینه تفسیر دانسته که نویسنده اش تبحری کامل در فنون مختلف علوم قرآنی داشته و معتقد است تفسیر مجمع البیان در حُسن ترتیب و زیبایی، تهذیب متن و دقت و تعلیل، قوت و نیرومندی حجت و برهان، بی نظیر است. وی نیز می نویسد:

صاحب مجمع البیان در تمام مباحثی که وارد شده، به زیبایی و نیکویی از عهده مطلب برآمده است. آن گاه که از قرائت و چگونگی آن بحث کرده است، آن هنگام که از اعراب و مباحث مربوط به آن سخن رانده است، یا آن وقت که به مقام دفاع از مذهب و اعتقاد خویش برخاسته است، از دایره عدالت خارج نشده است؛ صاف و روشن، رأی خود را اظهار داشته یا اقوال پیشینیان را مطرح نموده است و به نقد و بررسی آنها پرداخته است و در تمام مراحل از انصاف شایسته برخوردار است و هرگز در بیان عقیده خویش، راه اغراق را نمی پیماید و در اظهار عقیده افراط و تفریط نمی ورزد.(۲)

۱- کتاب مفقود شده است.

۲- التفسیر و المفسرون، جزء الثانی، صص ۸۶ ۱۲۹.

ص: ۳۱

دوم محمد محمد مدنی

وی از دانشمندان علوم قرآنی و صاحب تفسیری معروف در جهان اهل سنت و سردبیر مجله رساله الاسلام است. مدنی درباره تفسیر مجمع البیان می گوید:

«مجمع البیان، تألیف پیشوایی از پیشوایان امامیه جعفری، امام بزرگوار، طبرسی است. او در این تفسیر، روش تحقیقی پسندیده ای را در پیش گرفته است».(۱)

سوم شیخ عبدالمجید سلیم

او مفتی اعظم مصر و استاد پیشین دانشگاه اسلامی الازهر است که درباره طبرسی می گوید:

مجمع البیان، کتابی است گران سنگ، سرشار از دانش و معرفت، آکنده از فواید و معانی، با ترتیبی نیکو و شایسته که اگر بگویم این تفسیر سرآمد تمام تفاسیر قرآن و مرجع دانش مباحث قرآنی است، مبالغه و گزاف نگفته ام و راه خطا نپیموده ام.(۲)

چهارم شیخ محمود شلتوت

او پیشوای مردم مصر، رئیس پیشین دانشگاه الأزهر، مفتی مصری و منادی وحدت جهان اسلامی است. شلتوت در مقدمه مبسوطی که بر چاپ مصری مجمع البیان نگاشته، حقایق گسترده ای را در این باره آورده است. وی می نویسد:

مجمع البیان، در بین کتاب های تفسیری قرآن، بی همتاست. این تفسیر با گستردگی خاص و ژرفای ویژه و عمق معانی و تنوع مباحث در تبویب و تنظیم و ویرایش، از امتیاز و ویژگی خاصی در میان تفاسیر پیشین برخوردار است. سابقه ذهنی که از کتب گذشتگان داریم، این است که آیات و روایات را در مسائل مختلف گردآوری کرده، همه را هنگام بحث یک جا می آورند که در این صورت، گاه فنی با فن

۱- طبقات مفسران شیعه، ص ۱۴۲.

۲- طبقات مفسران شیعه، ص ۱۳۷.

ص: ۳۲

دیگر اختلاط پیدا می کند و خواننده نمی تواند خود را از میان آن مجموعه ها نجات دهد. گاهی [نیز] به یک بعد از ابعاد مسئله در حد «ملال»آور(اطناب ممل) و در بُعد دیگر از همان مسئله در حد «اخلال» (ایجاز مخل) کوتاه می آورد، ولی تفسیر مجمع البیان، شاید اولین تفسیر باشد که توانسته حق مطلب را ادا کند و توأم با طراوت بحث، عمق و نظم و ترتیب داشته باشد.(۱)

دو دانشمندان شیعه

اول عبدالجلیل قزوینی

وی در کتاب النقص(۲) در اشاره به مفسران بزرگ شیعه می نویسد:

و اگر شیعه امامیه خواهند که از مفسران خود لاف زنند، از جماعتی نامعتبر و نامعروف نزنند که خواجه آورده است: از تفسیر محمدباقر(ع) لاف زنند و از قول جعفر صادق(ع) و از تفسیر حسن عسکری(ع) و بعد از آن، از تفسیر کبیر ابوجعفر طوسی و تفسیر محمد فتال و تفسیر خواجه بوعلی طبرسی و تفسیر جمال الدین ابوالفتوح رازی رحمه الله و غیرهم که همه خبیر و عالم بوده اند. اولیان همه معصوم و آخریان، همه عالم و امین و معتمد بوده اند.(۳)

دوم ابوالحسن علی بن زید بیهقی (معروف به ابن فندق)

وی درباره طبرسی می نویسد:

«این امام در نحو، فرید عصر خود بود و با تاج القراء کرمانی اختلاف داشته و در علوم دیگر به درجه افادت رسید و دارای تصانیف بسیاری است و در اختیار(خلاصه کردن) از کتب، رتبه بلند دارد. مثلاً از کتاب مقتصد در نحو، اختیاری نیکو کرده، به غایت کمال و

۱- طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲- طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳- طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

ص: ۳۳

از تفسیر زمخشری اختیار کرده است، من غایه الجوده و او را تفسیری است بر ده مجلد و کتب بسیار و در علوم حساب و جبر و مقابله مشارٌالیه بود....(۱)

سوم شیخ منتجب الدین

وی درباره علامه طبرسی می گوید:

شیخ امام امین الدین ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، دانشمندی مورد اعتماد، فاضل، پارسا و برجسته است و او دارای، تصنیفاتی از جمله مجمع البیان در تفسیر قرآن است که من او را دیده ام و بعضی کتاب ها را نزد او خوانده ام.

چهارم قاضی نورالله شوشتری

قاضی شوشتری درباره علامه می گوید:

عمده المفسرین، امین الدین ثقهالسلام، ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، از اکابر علمای تفسیر است. تفسیر کبیر او که مسمّی به مجمع البیان است، در جامعیت او در فنون فضل و کمال، بیانی کافی و دلیل وافی است. در کتاب لمعه دمشقیه از شهید اول، محمد فلکی، در مبحث «رضاع» روایتی نقل می شود که نشان می دهد علامه، فقیه نیز بوده است.(۲)

پنجم شهید ثانی

وی در اجازه روایتی که به ابن خازن حائری داده است، می نویسد:

و همچنین اجازه دادم روایت کتاب مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تألیف امین الدین علی فضل بن حسن طبرسی را که همانند آن تألیف نشده است.(۳)

۱- طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲- طبقات مفسران شیعه، صص ۱۳۵ ۱۳۷.

۳- پورامینی، پیشین، صص ۱۳۰ ۱۳۲.

ص: ۳۴

ششم محدث نوری

وی در مستدرک الوسائل در وصف تفسیر مجمع البیان می گوید:

الذی عَکَفَ علیه المفسرون؛ تفسیری که مفسران برای استفاده و بهره بری، در آستان آن اعتکاف ورزیده اند.(۱)

هفتم ابن شهرآشوب

وی در معالم العلماء، درباره طبرسی می نویسد:

له مجمع البیان فی معانی القرآن، حَسَنٌ؛ او را مجمع البیان پیرامون معانی قرآن می باشد که بسیار نیکو و زیباست.

هشتم مدرسی

مدرسی، نویسنده ریحانه الادب می نویسد:

امین الاسلام طبرسی، عالمی فاضل و فقیهی کامل، محدثی جلیل و مفسری نبیل از اعیان و اعاظم علمای امامیه قرن ششم که فضل و جلالت و وثاقت و عدالت وی مسلّم برای مخالف و موافق. او از ثقات محدثین عالی مقام می باشد و از شیخ علی پسر شیخ طوسی و شیخ عبدالجبار قاری رازی که در ری فقیه امامیه بود، روایت نموده است و صحیفه الرضا از جمله مرویات شیخ طبرسی است. خودش و پسرش شیخ حسن مذکور و نوه اش علی بن الحسن صاحب مشکاه الانوار و دیگر سلسله و اقارب او، عموماً از اکابر علما هستند.(۲)

نهم سید حسن صدر

صدر، نویسنده تأسیس شیعه می گوید:

تفسیر مجمع البیان، اسمی است هماهنگ و بامسما و لفظی است جامع معنا و در ده جلد قرار دارد و مجمع البیان تفسیری است که نظیر آن در جهان اسلام تاکنون نگارش نیافته و مشحون با غرائب ادبی و نکات دینی و اشارات دقیق و نکات بدیع ادبی است.

۱- تاریخ بیهقی، ص۲۴۳.

۲- حدود سال ۵۵۶ ه. ق؛ یعنی حدود ده پانزده سال پس از تألیف مجمع البیان نوشته شده است.

ص: ۳۵

دهم استاد حسین کریمان

وی کتاب طبرسی و مجمع البیان را در دو جلد به روشی تحقیقی نوشته و در بخشی از کتاب خود آورده است: خصوصیتی که مجمع را از دیگر تصانیف مشابه خود ممتاز ساخته است، یکی جامعیت و فراگیر بودن آن نسبت به نکات ادبی، فقهی، تفسیری، تاریخی، حدیثی و کلامی است. نکته قوت دوم اینکه، طبرسی در نقل اقوال، تعصب به خرج نمی دهد، به همه اصناف و فرقه ها به یک نگاه می نگرد و آنچه را صحیح و معقول باشد، می پذیرد و در تقدم و تأخر آن غرض خاصی ندارد.(۱)

۳. طبرسی و سیاست

اشاره

۳. طبرسی و سیاست

با مطالعه و بررسی اندیشه سیاسی طبرسی، درمی یابیم که وی در حوزه اندیشه سیاسی، مباحث ارزشمند و مفیدی دارد. البته علامه اثری جدا، مستقل و منحصر به نظریه های سیاسی ندارد، ولی در خلال آثارش از جمله در تفسیر آیات در مجمع البیان، همچنین اثر مهم اخلاقی سیاسی اش به نام آداب الدینیه للخزانه المعینیه، مطالب مهمی بیان شده که در مجموع نشان دهنده نظام تفکر سیاسی طبرسی است.

اندیشه و رفتارِ سیاسی طبرسی، با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه وی، قابل ارزیابی و بررسی است. بی شک، نظریه ها و موضع گیری ها و مشی سیاسی طبرسی، بی ارتباط با جامعه وی نیست، بلکه در ارتباط با آن و تأثیرپذیرفته از آن است.

در عصر طبرسی، بحران ها و اختلاف های شدید فکری و مذهبی، به عنوان عاملی اثرگذار بر جامعه، مهم و قابل بررسی است. در عصری که بسیاری از

۱- بهاءالدین خرمشاهی، قرآن پژوهشی، ص ۱۸۴.

ص: ۳۶

فقها، علمای مذاهب گوناگون، مردم و حتی سلاطین، درگیر مشاجره ها و مناقشه های مذهبی بودند، طبرسی این چالش را به خوبی تشخیص داد «و ریشه اختلافات و بحران ها را در کج فهمی آن دوران دانسته و به همین منظور در رفع سوءتفاهمات و ابهامات و حرکت در مسیر ائتلاف و وحدت بینِ فرق اسلامی سعی فراوانی می کند. نوشتن کتب متعدد با هدف جمع بین اقوال مذاهب اسلامی و رفع ابهامات و اتهامات علیه شیعه امامیه، در این چارچوب قابل ارزیابی است».(۱)

بر این اساس، می توان گفت مهم ترین اقدام سیاسی طبرسی، تلاش برای ایجاد وحدت و از بین بردن اختلاف های فرقه های اسلامی است. بی شک، در آن عصر، چنین عملی کار ساده ای نبود و به دانش گسترده، بینش عمیق و انسانی و بی طرفی کامل نیاز داشت که به نظر می رسد طبرسی در این راه، موفق و سربلند بوده است؛ چنان که آثارش، شهادت می دهند.

طبرسی بیش از آنکه در مسائل سیاسی روز جامعه مشارکت داشته باشد، نظریه پرداز سیاسی است. بر این اساس، در این بخش هم به بررسی اندیشه سیاسی طبرسی و هم به شناخت رفتار سیاسی وی می پردازیم. البته درباره رفتار سیاسی طبرسی در فصل چهارم، در بخش موضع گیری سیاسی طبرسی بحث خواهیم کرد.

الف) حکومت در اندیشه سیاسی طبرسی

الف) حکومت در اندیشه سیاسی طبرسی

به عقیده طبرسی، سلطنت و حکومت بر دو نوع است: الهی و مشروع؛ غیرالهی و نامشروع. «از نظر طبرسی، تجربه انسان در تأسیس نظام مناسب، بسیار ناقص

۱- ۱رضا، واعظی، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ اندیشه سیاسی طبرسی، چکیده.

ص: ۳۷

بوده و از طرف دیگر، قدرت فردگرایی او گاهی تحت تأثیر عوامل نفسانی دیگر قرار می گیرد. ازاین رو، لازم است تا اراده الهی به کمک اراده انسانی بشتابد و این دو اراده در تعامل با یکدیگر، بنیان نظامی بهتر و سودمندتر را پایه گذاری نمایند. بنابراین، آمدن پیامبران، دخالت در زندگی بشر و یا تحمیل اراده غیر بشری بر اراده بشری قلمداد نمی شود، بلکه مشارکتی از انسان و خدا در زندگی سیاسی شمرده می شود و این مشارکت، رابطه انسان و خدا را چنان ارتقا می بخشد که انسان به مقام خلاف خداوند نایل شده، دستور و هدایت خود را به طور مستقیم، به کمک وحی از خداوند دریافت می کند. نتیجه این تعامل در زندگی سیاسی بشر، عبارت خواهد بود از نظام نبوت، امامت و یا «نظام عادل». طبرسی معتقد است تنها نظام واجد صلاحیت برای مدیریت جامعه، آن است که بر پایه های مشترک اراده الهی و انسانی، استوار یافته باشد. در این صورت، طبیعی خواهد بود که نظام های صرفاً مبتنی بر اراده بشری، نمی تواند از نظر او پسندیده تلقی شود. وی در آثار خود الگوی حکومت ایده ئال خود را که با طبیعت و آرمان سیاسی انسان سازگاری کامل دارد، در ابعاد مختلف توضیح می دهد، اما به زودی درمی یابد که شرایط واقعی سیاسی و اجتماعی، مسیر دیگر را می پیماید که در آن، حکومت مطلوب دینی به چالش کشیده شده است. مهم ترین چالش حکومت عادل، اراده استقلال طلبانه و برتری جویانه انسان در برابر اراده خداوند است و این زمانی است که انسان، پیمان تعامل با خداوند را به طور یک جانبه به هم می زند و خود به تنهایی، سرنوشت سیاسی خویش را در دست می گیرد. طبرسی این مرحله را، مرحله طغیان و طاغوت گرایی در حیات سیاسی تلقی می کند که نتیجه آن شکل گیری دولت های جائر و ظالم در تاریخ سیاسی انسان می باشد».(۱)

۱- محمد اکرم عارفی، اندیشه سیاسی طبرسی، صص ۱۱۱ ۱۱۳.

ص: ۳۸

اکنون این پرسش پیش می آید که با توجه به این حقیقت که تحقق حکومت عادل در تاریخ سیاسی انسان، کم و به ندرت صورت می گیرد، ارتباط یک مسلمان با نظام حکومتی ستمگر چگونه خواهد بود؟ آیا داشتن رابطه با حکومت جائر، جایز است یا چنین ارتباطی ممنوع است؟

«طبرسی با نگاه عقل گرایانه، به این نتیجه می رسد که تعطیلی حیات سیاسی با توجه به سیاسی بودن انسان، در عمل، ناممکن یا بسیار پرهزینه است. لذا طرح اندیشه تحریم همه جانبه فعالیت سیاسی و ضرورت فقدان نظام عادل را به سود افراد مؤمن ندانسته و از ایده همکاری مشروط و محدود یا حتی غیر محدود در صورت فراهم بودن شرایط با نظام های موجود حمایت کرده است. حکومت مطلوب ایشان، حکومت معصوم است و به همین دلیل، اندیشه سیاسی او بر محور نظام امامت دور می زند، اما نظریه سیاسی او در عصر غیبت از تعامل سازنده با نظام های جور حکایت می کند».(۱)

«طبرسی با توجه به ضرورت و شرایط خاص، مواردی را برای شیوه رابطه با حکومت جائر ذکر می کند، از جمله:

۱. در صورتی که نخبگان جامعه اسلامی بتوانند در دولت جائر، خدمتی برای اسلام و مسلمین انجام دهند، ارتباط با ظالم اشکالی ندارد. مواردی چون دفاع از حق، امر به معروف و نهی از منکر و تسلیم حق به اهل آن، از جمله مواردی هستند که برای تحقق آنها می توان با ظالم ارتباط برقرار کرد.

۲. جایی که با ورود به دستگاه دولت جائر، بتوان شری را از مؤمنان و مسلمانان دفع کرد و رنج و مصایب آنان را کاهش داد.

۳. دادخواهی از حکومت جور در صورتی که امید به استیفای حق باشد، جایز است».(۲)

۱- محمد اکرم عارفی، اندیشه سیاسی طبرسی، ص ۷۴.

۲- محمد اکرم عارفی، اندیشه سیاسی طبرسی، صص ۱۰۷و ۱۰۸.

ص: ۳۹

در ادامه این مطلب، بحث رابطه مجتهد با سلطان بیان می شود.

ب) دیدگاه علامه طبرسی درباره مشارکت علما در حکومت

ب) دیدگاه علامه طبرسی درباره مشارکت علما در حکومت

رابطه مجتهد یا عالم دینی با حاکم جور چگونه خواهد بود؟ «در بررسی رفتار فقهای دوره میانه؛ یعنی از آغاز غیبت کبری تا روی کار آمدن ایلخانان مغول و عصرِ ایلخانان، نمونه های فراوانی از حُسن ارتباط و حتی همکاری فقیهان با حاکمان جور و پذیرش نقابت، قضاوت و ولایت از جانب آنان را می بینیم. بی شک، این همکاری ها بر پایه های نظری و مبانی فقهی این فرزانگان استوار است و چنان که می توان با امعان نظر به سخنان و آثار فقهی این دوره یافت مبنای اصلی همکاری و پذیرش ولایت از حاکمان جائر، اصل ولایت فقیه بوده است. بر پایه اصل ولایت فقیه، پذیرش ولایت از حاکمان جور در حقیقت، استیفای بخشی از حقوقی است که معصومین به فقیهان تفویض کرده اند. ازاین رو، بعضی از فقیهان این دوره به صراحت اعلام کرده اند که گرچه در ظاهر، فقیه از جانبِ حاکم جائر منصوب می شود، لیکن در واقع، از جانب امام معصوم نصب شده است و فقیه باید نیت کند که این ولایت، حقی است از سوی معصومین که به او تفویض شده است.

بر اساس چنین دیدگاهی، طبرسی در خصوص رابطه فقیه و سلطان، گرفتن منصب از سلطان جائر را جایز دانسته و بر آن تأکید کرده و ادله هایی نیز بیان فرموده است. مثلاً درباره تفسیر سوره یوسف(ع)، واگذاری واقعی سلطنت و اداره امور به یوسف نبی (ع) را از طرف خداوند می داند، نه از طرف حاکم. وی اگرچه منصب از سوی حاکم جائر را جایز می داند، اما وظایف دیگری را برای علما بیان می کند؛ از جمله: عدم دفاع از ظالم، پرهیز از کتمان حق، امر به معروف و نهی از منکر...».(۱)

۱- اندیشه سیاسی طبرسی، صص ۸۰ ۸۲.

ص: ۴۰

«درباره حکومت غیر جائر و غیر معصوم نیز می توانیم به طور یقین، از سخنان و نظرات ابوعلی طبرسی استفاده کنیم و بگوییم: به نظر طبرسی، در عصر غیبت ضمن اینکه حاکمیت به خداوند و امامان معصوم؛ جانشینان پیامبر خدا و برگزیده خدا تعلق دارد، اما با توجه به ضرورت وجود حکومت، حاکم غیرمعصوم را به شرط آنکه در چارچوب احکام الهی و در جهت خیر و صلاح بندگان خداوند، حرکت کند، حاکم منصوب از طرف خداوند می توان تلقی کرد».(۱)

«[علامه طبرسی] نمونه چنین حکومتی را فرمانروایی طالوت در میان قوم بنی اسراییل دانسته که در زمان تصدی این امر، طالوت نه پیامبر بود و نه معصوم. همچنین به سلاطین و حاکمان عادل معاصر مانند: سلطان معین الدین ابونصر احمد بن فضل بن محمود، وزیرِ سلطان سنجر و علی بن شهریار، حاکم خراسان اشاره کرده است».(۲)

ج) عدالت در اندیشه سیاسی طبرسی

ج) عدالت در اندیشه سیاسی طبرسی

«عدالت و شرایط تحقق آن در جامعه، از نظر اندیشمندان مسلمان از جمله طبرسی از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. از نظر طبرسی، حقیقت عدالت وقتی در جامعه محقق می شود که زمامدار این امور را انجام دهد:

حکومت را امانت بداند؛

مردم را به دین و شریعت وا دارد؛

در امانت خیانت نکند؛

حقوق مردم را رعایت کند و در میان آنها به انصاف و عدالت و مساوات رفتار کند؛

۱- اندیشه سیاسی طبرسی، ص ۱۴۰.

۲- اندیشه سیاسی طبرسی، ص ۵۷.

ص: ۴۱

نسبت به بندگان خداوند اراده ظلم و تکبر نداشته باشد و به معصیت مصمم نباشد؛

به حاجت حاجتمندان توجه داشته و هرگز آنها را کوچک نشمرد؛

خلاصه آنکه قوام پادشاهی و زمام داری، در رعایت حقوق مردم و رفتار بر منهج عدالت است».(۱)

۴. طبرسی و فقه و کلام

۴. طبرسی و فقه و کلام

الف) مقدمه ای در کلام اسلامی

کلام، از علوم اسلامی است که درباره اصول عقاید اسلامی بحث می کند، آنها را توضیح می دهد و درباره آن استدلال و از آنها دفاع می کند. در حقیقت، تعلیمات اسلامی همان علم کلام است؛ یعنی مسائل و آموزه هایی است که باید آنها را شناخت، به آنها معتقد بود و ایمان آورد؛ مانند مسئله توحید و صفات ذات باری تعالی، نبوت عامه و نبوت خاصه. فرق اسلامی در اصول دین و مواردی که ایمان و اعتقاد به آنها لازم و ضروری است، اختلاف نظر دارند. در نیمه دوم قرن اول هجری، مبحث مسائل کلامی درباره جبر و اختیار و عدل در میان مسلمانان مطرح بوده است. نخستین حوزه رسمی این مباحث، مجلس درس حسن بصری (۱۱۰ه . ق) بوده است.

کلام شیعی در حقیقت، بیان ادله و براهین عقلی و نقلی برای اثبات اصول و فروع و شیوه تفکر مذهبی این فرقه است. آنچه به عنوان سرچشمه های اصلی تفکر مذهبی شیعه مطرح می شود، افزون بر قرآن و تفسیر، سیره و گفتار نبوی، حدیث، کلام و روش معصوم را نیز شامل می شود.(۲)

۱- اندیشه سیاسی طبرسی، ص ۷۷، برگرفته از: نظریات طبرسی در مجلدهای مختلف مجمع البیان.

۲- سید حسین، ریس السادات، اندیشه های کلامی شیعه، ص ۳۰.

ص: ۴۲

ب) نظریه های کلامی طبرسی

علامه طبرسی در نظریه های کلامی خود، پیرو متکلمین شیعه بوده و در تفسیر بزرگش مجمع البیان، آیات مربوط به اصول دین را به روش متکلمین شیعی تفسیر کرده است، به گونه ای که حتی ذهبی در مورد اندیشه او در این باره به اشتباه افتاده است. ذهبی در کتاب تفسیر و المفسرون خود، در بخش مفسران امامیه، به گرایش های کلامی شیخ طبرسی اشاره کرده و او را معتزلی دانسته و با اشاره به آیات متعدد قرآن در این زمینه، به تحلیل تفسیر وی پرداخته است.(۱)

مباحث عمده کلامی در تفسیر طبرسی، افعال بندگان، مسئله جبر و اختیار، رؤیت خداوند در قیامت، اسلام و ایمان افراد، شفاعت و عصمت ائمه شیعه است.(۲)

نسبت دادن اعتزال به مفسران شیعی، نادرست است؛ زیرا اصول اعتقادی شیعیان امامیه در برخی مسائل مانند مسئله عدل، تجرید ذات خداوند از مبادی صفات و حکم عقل در معرفت حسن و قبح اعمال، با مذهب اعتزال، مشترک است. این بدان معنا نیست که شیعه این عقاید را از معتزله یا معتزله آن را از شیعیان گرفته باشد، بلکه نشان دهنده وحدت نظر این دو مذهب در مسائل کلامی است، همان گونه که کل امت اسلامی در بسیاری از اصول، عقاید و فروع احکام با هم وحدت نظر دارند. ذهبی درباره مسئله هدایت و ضلالت معتقد است، طبرسی با معتزله هم عقیده است و از آنان دفاع و عقاید خلاف ایشان را رد کرده است. منشأ و اصل این مسئله از شیعه است و شیعه آن را از اهل بیت گرفته و علم و معرفت را در معانی اسلامی گسترش داده و به طور اتفاقی معتزله با آن هم عقیده شده است.(۳)

۱- تفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۹۵ ۹۸.

۲- محمدعلی ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ج ۳، ص ۱۰۳۱.

۳- معرفت، پیشین، ص ۲۶۰.

ص: ۴۳

ج) مقدمه ای بر فقه اسلامی

فقه در لغت به معنای فهم است، البته فهم عمیق. احکام و مقررات اسلامی درباره مسائل، به طور جزئی و به تفصیل درباره هر واقعه و حادثه بیان نشده، بلکه به صورت سلسله اصول، کلیات و قواعد بیان شده است و هر فقیهی باید حکم یک حادثه و مسئله را بیان کند. فقیه باید به منابع و مدارک مورد اعتماد مراجعه کند و همه جوانب امر را در نظر گیرد. بنابراین، فقه عبارت است از علم به احکام فرعیِ شرعِ اسلام، از روی منابع و ادله تفصیلی.

منابع فقه شیعه عبارتند از: کتاب خدا(قرآن)؛ «سنت»؛ یعنی قول و فعل و تقریر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان شیعه؛ اجماع و عقل. این چهار منبع در اصطلاح فقها به «ادله اربعه» معروف هستند.

د) نظرهای فقهی علامه طبرسی

فقه، رشته تخصصی علامه طبرسی نبوده است. بنابراین، وی از فقهای برجسته و بزرگ به شمار نمی رود، ولی شاگردان بسیاری تربیت کرده است. طبرسی در بیان آرای فقهی خود از روش فقه شیعه پیروی می کند و در مواردی مانند نکاح متعه، رضاع، نکاح با اهل کتاب، غنیمت و میراث انبیا نظریه های خاصی دارد. شرح تفصیلی نظریه های علامه در این باره را در آثار فقهی باید جست.

۵. استادان علامه طبرسی

۵. استادان علامه طبرسی

استادان، نقش مهمی در پیشرفت و موفقیت علمی شاگردان خود دارند. علامه طبرسی نیز از محضر استادان بزرگی بهره برده که برخی از آنها عبارتند از:

الف) ابوعلی حسن بن محمد بن حسن طوسی: فرزند شیخ طایفه، عالم بزرگ شیعه، شیخ طوسی است؛ وی به مفید ثانی مشهور است و غالب سلسله

ص: ۴۴

اجازه ها با روایت او به مشایخ گذشته می رسد. وی جلسه درسی در نجف اشرف داشت. از آثار مهم وی کتاب الامالی و شرح النهایه است. در کتاب ریاض العلماء، روضات الجنات، مستدرک الوسائل و ریحانه الادب به شاگردی علامه طبرسی نزد ابوعلی حسن طوسی اشاره کرده اند.

ب) شمس الاسلام یا شمس الدین ابومحمد الحسن بن الحسین بن بابویه قمی الرازی، معروف به حسکا: وی جد شیخ منتجب الدین است. شمس الاسلام اجازه روایت از تبیان را از شیخ طوسی داشته است. سال مرگ وی به احتمال، سال ۵۱۰ ه .ق در ری بوده است.

ج) ابوالوفاء عبدالجبار بن عبدالله بن المقری نیشابوری رازی، ملقب به مفید رازی: او نیز اجازه روایت تبیان را از شیخ طوسی داشته است. شیخ طبرسی در مجمع البیان، به شاگردی خود نزد وی اشاره کرده است. ابوالوفاء در ری مجلس درسی داشته است که چهارصد نفر طلبه در آن درس می خوانده اند.

د) شیخ فاضل ابوعبدالله جعفر بن محمد بن احمد العبسی دروسیتی: وی از بزرگ ترین علمای عصر خود بود و خاندان دروسیتی همه اهل فضل و علم بودند. او از بزرگان امامیه چون سید رضی و سید مرتضی روایت نقل کرده است. از مهم ترین کتاب های ابوعبدالله، الکفایه فی العبادات، یوم و لیل، الاعتقاد است.

ه) شیخ موفق الدین بن الفتح الواعظ البکرآبادی الحرجانی: وی اجازه روایت از شیخ طوسی داشته و فقه را نزد شیخ الامام سدیدالدین محمود حمصی خوانده بود.

و) محمود بن حمزه بن نصر ابوالقاسم کرمانی، معروف به تاج القراء: وی از فقهاء بزرگی بوده و از کتاب های او ایجاز فی است.(۱)

۱- ناصر کاظم سراجی، الطبرسی و منهجه فی التفسیر اللغوی، صص ۳۳ ۳۴.

ص: ۴۵

ز) سید محمد قصبی جرجانی: وی از دانشمندان فاضلی است که طبرسی از او روایت نقل می کند.

ح) عبدالله قشیری: وی از دانشمندان قرن پنجم و در اصول و مناظره و تفسیر و عرفان، از استادان بنام بوده است و طبرسی صحیفه الرضا را از او نقل می کند.

ط) ابوالحسن عبدالله محمد بیهقی: او از بزرگان و دانشمندان شیعه امامیه است و طبرسی از وی روایت نقل کرده است.

ی) سید مهدی حسینی قائینی: او از عالمان بزرگ بوده، ولی از زندگی علمی وی اطلاعی در دست نیست.(۱)

۶. شاگردان طبرسی

۶. شاگردان طبرسی

عالمانی که از محضر شیخ طبرسی بهره برده و از محضر وی تبرک جسته اند، عبارتند از:

الف) شیخ رضی الدین، ابونصر، حسن بن فضل بن حسن طبرسی: وی فرزند شیخ طبرسی و از عالمان بزرگ قرن ششم است. در ریاض العلماء، مقابس الانوار، روضات الجنات و ریحانه الادب به شاگردی وی نزد پدرش اشاره شده است. ابونصر از فضایل و کمال بهره مند بود. نوشته های وی عبارتند از: مکارم الاخلاق و اسرارالامامه که احتمال دارد این اثر برای تقدیم به پدرش باشد و جامع الاخبار که چند بار به چاپ رسیده است. این کتاب را برخی نوشته محمد بن محمد شعیدی و برخی از آثار شیخ جعفر بن محمد دورسیتی دانسته اند. مجلسی نیز احتمال داده است نویسنده آن، ابوالحسن علی بن ابی سعد حناط باشد.

ب) شیخ رشید الدین، ابوجعفر، محمد بن علی بن شهر آشوب السروی مازندرانی: وی از دانشمندان بزرگ و نام آور و از محدثان، عالمان رجال و اخبار

۱- دیدار با ابرار (علامه مجلسی)، صص ۴۶و ۴۷.

ص: ۴۶

و از شعرا، ادیبان و مفسران و از واعظان شیعه است که اهل ساری مازندران بود. در فضیلت او همین بس که عالمان بزرگ سنی او را ستوده اند. ابن شهر آشوب از مدافعان فداکار مذهب امامیه بود و آثار وی در تأیید این مذهب و در رد آرا مخالفان است. وی در کتاب معالم العلماء و مناقب، به شاگردی خود نزد شیخ طبرسی اشاره کرده است. آثار وی عبارت است از: مناقب آل ابی طالب، معالم العلماء، اعلام النواصب، المحزون المکنون فی عیون الفنون، المثال فی مثالب و الاسباب و النزول علی مذهب آل الرسول.

در آن زمان، در شام، حکومت دولت «آل حمدان» بر پایه تشیع استوار بود، درحالی که سلاجقه بزرگ منقرض شدند و سلاجقه عراق و خوارزمشاهیان در مذهب تسنن متعصب بودند. پس شرایط برای شیعیان سخت شده بود. شهر آشوب به حلب که پناهگاه شیعیان بود، مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا زیست و در سال ۵۵۸ه . ق در آنجا درگذشت.

ج) شیخ منتجب الدین ابوالحسن علی بن حسن بن حسین بن بابویه قمی: وی در آثارش به شاگردی در محضر طبرسی اشاره کرده و در فهرست، پس از بیان مصنفات طبرسی گفته است: «و شاهدته و قرأت بعضها».

به گفته مرحوم حاج شیخ عباس قمی، شیخ منتجب الدین، کثیر الروایه است و از اقارب و آبای خود بسیار روایت کرده است و مشایخ وی را بیش از صد تن بر شمرده اند، از جمله: شیخ طبرسی، ابوالفتوح رازی، سید مرتضی رازی، سید فضل الله راوندی پدر و پسرعمش شیخ بابویه بن سعد بن محمد و....

آثار وی کتاب فهرست و الاربعین عن الاربعین فی فضائل امیرالمومنین (یعنی چهل حدیث از چهل شیخ یا از چهل تن صحابی) است. فهرست او شامل نام عالمان امامیه از عهد شیخ طوسی تا زمان مؤلف و به عبارت دیگر، شامل عالمان شیعه عصر طبرسی است.

ص: ۴۷

د) ضیاءالدین، فضل بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی کاشانی: از وی گاهی به فضل الله بن علی بن حسن و گاهی به فضل الله بن علی بن هبه الله بن علی بن عبدالله یاد کرده اند. آثار مهم وی عبارت است از: ترجمه العلوی للطب الرضوی، ضوء الشهاب فی شرح الشهاب، قصص الانبیاء، الموجز الکافی و علم عروض و القوافی ... .

ه) شیخ امام قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبه الله بن حسن راوندی معروف به قطب راوندی: وی از بزرگان فقه، تفسیر و حدیث شیعه است. در ریاض العلماء، مقابس الانوار، روضات الجنات و ریحانه الادب به شاگردی وی نزد طبرسی اشاره شده است. آثار وی عبارت است از: آیات الاحکام، الاختلافات الواقعه بین شیخ مفید و السید المرتضی فی بعض مسائل الکلامیه، اسباب نزول (از منابع بحار الانوار)، ام القرآن، الانجاز فی شرح ایجاز، التغریب فی التعریب، تفسیر قرآن (معروف به تفسیر قطب) و خلاصه التفاسیر (در ده جلد).

و) شیخ ثقه ابومحمد عبدالله جعفر بن محمد بن موسی بن جعفر دورسیتی: در ریاض العلما، روضات الجنات، لؤلؤتی البحرین و ریحانه الادب، نام وی در ردیف شاگردان طبرسی یاد شده است.

ز) شیخ ثقه ابوفضل شازن بن جبریل بن اسماعیل قمی: از محضر درس طبرسی استفاده کرده و از عالمان قم بوده است. از آثار وی تحفه المؤلف الناظم و فضائل الائمه است.(۱)

۱- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، صص ۳۰۰ ۳۱۳.

ص: ۴۸

ص: ۴۹

فصل سوم: ویژگی و اخلاق علمی علامه طبرسی

اشاره

فصل سوم: ویژگی و اخلاق علمی علامه طبرسی

زیر فصل ها

۱. انصاف و عدالت

۲. عالم پروری

۳. عزم و اراده قوی

۴. سعه صدر

۵. صدق در گفتار

۶. آزاد اندیشی و دوری از تعصب

۷. دقت و امانت داری

۸. فضل و دانش گسترده

۱. انصاف و عدالت

۱. انصاف و عدالت

انصاف داشتن و عدالت ورزیدن، از مهم ترین موارد اخلاق علمی است که به سعه صدر و طهارت نفس نیاز دارد. برای مثال، در برخورد با نظر مخالف، باید با خشکی و انعطاف ناپذیری محض رفتار کنیم و هر عقیده مخالف از در جنگ و ستیز وارد شویم و سستی و انعطاف پذیری مطلق نیز درست نیست؛ زیرا ممکن است به سست اعتقادی متهم شویم. بر این اساس، باید درحالی که به عقاید درست و منطقی خود ایمان داریم، با عقاید مخالف نیز به گونه ای برخورد کنیم که به دشمنی و نفرت نینجامد، بلکه با استدلال و دلیل همراه باشد. روشی که علامه طبرسی در اثر خود برگزیده، روش سوم است. وی با انصاف و عدالت، با آرای مخالفان برخورد کرده و این نشان دهنده منصف بودن وی است؛ زیرا اخلاق فردی و ذاتی در شکل گیری اخلاق علمی بسیار اثرگذار است. ذهبی، دانشمند اهل تسنن، در التفسیر و المفسرون می نویسد:

... طبرسی اقوال پیشینیان را مطرح می کند و با نقد و بررسی اقوال، سخن را برمی گزینند. او از انصافی شایسته برخوردار است.(۱)

۱- التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۱۰۴.

ص: ۵۰

۲. عالم پروری

۲. عالم پروری

علامه طبرسی افزون بر نگارش آثار ارزشمند که به کناره گیری از خلق و عزلت گزیدن و تمرکز کردن نیاز دارد، فعالیت های اجتماعی ارزشمندی نیز داشت. فعالیت های وی نشان دهنده آن است که علامه با تمام اخلاص، همه زندگی خود را وقف خدمت به اسلام و قرآن کرده بود.

از مهم ترین فعالیت های اجتماعی طبرسی، مدیریت مدرسه دروازه عراق و تصدی کرسی استادی است. مدیریت این مدرسه، خود به تنهایی نشان دهنده آن است که شیخ طبرسی، از عالمان فعال و فداکار شیعه بود؛ چون در عصر وی، اهل تسنن در جامعه غلبه داشتند و مدارس بزرگ، محلی برای تربیت استادان این مذهب بود. در این شرایط، پذیرفتن مسئولیت اداره مدرسه ای شیعی، به تنهایی، مسئولیتی بزرگ است. افزون بر آن، وی شاگردان بسیاری نیز تربیت کرد؛ شاگردانی که هر یک به عنوان دانشمندان شیعه، خدمات گران بهایی به اسلام کردند. پس به حق، می توان صفت عالم پروری را از ویژگی های اخلاقی اجتماعی شیخ طبرسی برشمرد.

۳. عزم و اراده قوی

۳. عزم و اراده قوی

علامه درباره دوران جوانی خود می نویسد:

من در عنفوان شباب و ریعان جوانی که تازه قدم به دایره زندگانی گذارده بودم، اشتیاق به تألیف کتابی در تفسیر داشتم که مشتمل بر لطایف اسرار علم نحو و لغات مطلوب و موارد قرائت ها با بیان ادله آن از تمام جهات و جامع همه گونه معانی و بیانی باشد که از سرچشمه آن (قرآن) گرفته می شود، ولی پیشامدهای زمانه و ناملایمات روزگار و تقدیرات، میان من و خواسته ام حایل می شد.(۱)

۱- مجمع البیان، تصحیح: رسول محلاتی، ج ۱، ص ۱۰.

ص: ۵۱

بـا این حـال، هیـچ یـک از این حوادث و ناملایمـات زمـانه مـانع نشـد که علامه به خواسته و آرزوی قلبی و دیرینه اش جامه عمل نپوشاند. وی با اراده و عزمی راسخ، سراسر عمر خود را وقف کسب دانش های گوناگون اسلامی و فراگرفتن ادبیات عرب کرد تا سرانجام پس از ۶۰ سالگی، خود را آماده نگارش چنین اثر بزرگی یافت.

در این ویژگی علامه طبرسی، دو نکته برای جوانان نهفته است: داشتن اندیشه های بزرگ و ناب و کوشش پی گیر برای به سامان رساندن و عملی کردن اندیشه ها. بی شک، زندگی هیچ انسانی خالی از مشکلات و سختی ها نیست، به ویژه زمانی که انسان هدفی والا و اندیشه ای بزرگ داشته باشد، موانع تحقق اهداف و اندیشه هایش بیشتر خواهد بود. با این حال، کسانی پیروز می شوند که از دشواری ها نهراسند و ناامید نشوند و با تکیه و اعتماد به فضل خداوند، برای رسیدن به هدف والا بکوشند.

۴. سعه صدر

۴. سعه صدر

حضرت موسی(ع) از خداوند چنین خواست:« رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَیَسِّرْ لِی أَمْرِی.» بهره مندی از سعه صدر و آراستگی به صفت بردباری، از مهم ترین ویژگی های عالمان است؛ زیرا در عرصه علم، چگونگی برخورد با نظرها و عقاید مخالف بسیار مهم است. شیفتگی و پای بند بودن به عقاید شخصی، به منزله رکود هر طالب علمی است. دانشمند باید با سعه صدر با شاگردان خود برخورد کند تا بستر رشد و شکوفایی آنان را فراهم سازد. برخورد علامه طبرسی در آثار خود با نظرها و عقاید مخالف و موافق، نشان دهنده علم و بردباری علامه است که با سعه صدر، عقاید مخالف و موافق را به بوته نقد گذاشته است.

ص: ۵۲

۵. صدق در گفتار

۵. صدق در گفتار

راست گویی و صداقت، نیکوترین ویژگی انسان است. صداقت در قلب، زبان و عمل، به زندگی انسان نور و روشنایی می بخشد و می تواند حتی زندگی دیگران را نیز روشن و نورانی کند. سخنان طبرسی در آثارش، سراسر راستی و صداقت است. او در نقل قول کردن از گفته ها و آثار دیگران، امین بوده و هرگز سخن دیگران را به خود نسبت نداده است.

۶. آزاد اندیشی و دوری از تعصب

۶. آزاد اندیشی و دوری از تعصب

شیخ طبرسی در نقل اقوال تعصبی نشان نمی دهد و به همه اصناف و فرقه ها یکسان می نگرد. وی آنچه را درست و معقول بداند، از هر که باشد؛ از مخالف و موافق، نقل می کند و در بیان نام آنان، غرضی ندارد.

شیخ طبرسی در زمانی می زیست که عالمان فرقه های گوناگون مذهبی، فقط به اقوال معتقدان طریقه خود توجه داشتند و روایت های منقول از مخالفان خود را هر چند مطابق نظر آنان بود، رد می کردند. با این حال، طبرسی در نقل نظر مخالفان، آنجا که سخنشان از نظر اصولی با عقیده وی مغایرت ندارد و به گونه ای نظر وی را تأیید می کند، باکی ندارد.

«در میان مؤلفان و مصنفان، کمتر کسی را می توان یافت که کلامش از طعن و اعتراض نسبت به مخالفان طریقه خود خالی باشد، لکن طبرسی، ساحتش از این نقص مبراست. تفسیر مجمع البیان و تفسیر جوامع الجامع، دو گواه عدل بر این دعوی تواند بود. این خصلت از فضل و انصاف، طهارت نفس و عفت قلم او سرچشمه می گیرد».(۱)

۱- طبرسی و مجمع البیان، ج۱، ص ۲۶۰.

ص: ۵۳

شیخ محمد شلتوت (رئیس پیشین دانشگاه الازهر دانشمند اهل سنت)، درباره تفسیر مجمع البیان و نویسنده آن سخنان بسیاری دارد. وی نیز در سخنی، به میانه روی طبرسی در نقل نظرها این گونه اشاره می کند:

صاحب تفسیر مجمع البیان تا حد بسیاری توانسته است، اخلاص تفکر علمی خود را بر عاطفه مذهبی اش غلبه دهد. شیخ طبرسی اگرچه به بیان نظرهای اختصاصی شیعه در احکام و آرای مورد اختلاف اهتمام می ورزد، به نحوی که گاه عواطف مذهبی در آن پیداست، ولی در این عاطفه، طریق افراط در پیش نمی گیرد و مخالفان خود و مذهب خود را مورد حمله قرار نمی دهد.(۱)

سید محسن امین نیز در اینباره می گوید:

مجمع البیان، کتابی است که انواع علوم را در آن جمع ساخته، نظرات پراکنده در تفسیر را بیان نموده و در هر مقام، به احادیث اهل بیت در تفسیر آیات قرآن اشاره کرده است. او دلایل روشن و مورد قبول را با حفظ اعتدال، گزینش نیکو در اقوال و رعایت ادب و نگهداری گفتار، در مقابل مخالفان فکری جمع کرده است، به نحوی که در کلامش جمله ای که نفرت از خصم را حکایت کند، یا مشتمل بر تقبیح آنها باشد، یافت نمی شود و این خصیصه و امتیاز در آثار کمتر مؤلف مصنفی یافت می شود.(۲)

۷. دقت و امانت داری

۷. دقت و امانت داری

علامه طبرسی، در گزینش و ترتیب مطالب و منظم ساختن آن، ابتکار خوب و مناسبی داشت که این ویژگی در دیگر تفاسیر به چشم نمی خورد. برای مثال، او درباره هر سوره، به این ترتیب عمل کرده است:

۱- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۴۵، به نقل از: مجله مشکات، ش ۳۵.

۲- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۳۶، به نقل از: شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۲۸۵.

ص: ۵۴

۱. تفاوت گذاشتن میان مکی یا مدنی بودن سوره و تعداد آیات؛

۲. بیان اختلاف دیدگاه ها و اقوال در این باره؛

۳. اشاره به نام های گوناگون سوره (در صورتی که داشته باشد).(۱)

بیان این مطالب نشان دهنده توجه، دقت و باریک بینی طبرسی است و همین ویژگی، تفسیر وی را از دیگر تفاسیر متفاوت کرده است. شیخ محمود شلتوت در اینباره می گوید:

[افزون بر] نظم منحصر به فردی که بر تقسیم و تنظیم تکیه دارد، از مزایای این تفسیر آن است که خواننده هر چه می خواهد، مستقیماً می یابد. کسی که در پی لغت است، به بخش مخصوص آن مراجعه می کند و کسی که خواهان بحث نحوی باشد، به آن روی می آورد... .(۲)

شیخ طبرسی در نقل اقوال دانشمندان اسلامی، به رعایت کامل امانت معروف است، چنان که بیشتر کسانی که درباره وی به اظهارنظر پرداخته اند، او را فردی مورد اعتماد و پارسا معرفی کرده اند، به گونه ای که وی به امین الدین و ثقه الاسلام ملقب شده است.

شیخ منتجب الدین، از دانشمندان بزرگ شیعه و شاگرد علامه، درباره وی می گوید:

شیخ امام امین الدین ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، دانشمندی مورد اعتماد، فاضل، پارسا و برجسته است... .(۳)

میرزا عبدالله افندی، صاحب ریاض العلماء نیز علامه طبرسی را فردی بافضیلت، مورد اعتماد کامل و هوشیار معرفی می کند.(۴)

۱- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۰۲.

۲- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۴۰.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۱.

۴- ریاض العلماء، ج۴، ص ۳۴۰.

ص: ۵۵

۸. فضل و دانش گسترده

۸. فضل و دانش گسترده

با توجه به کتاب گران قـدر مجمع البیان، امین الـدین طبرسـی فقیهی متبحر، مفسـری بزرگ، محدّثی عالی قدر، متکلمی دانا، ادیبی خـوش ذوق و توانـا، دانشـمندی لغـوی، نحوی، صـرفی، عروضـی، نویسـنده ای چیره دست و باسـلیقه و علاـمه ای نـامور بود. همین جامعیت و ویژگی هاست که تفسـیر مجمع البیان، اثر برجسـته آن دانشمند بزرگ شیعه را مورد توجه خاص دانشمندان شیعه و سنی قرار داده است.(۱)

قاضی نورالله شوشتری (متوفی به سال ۱۰۱۹ ه..ق)، در کتاب نفیس مجالس المؤمنین از این دانشمند بزرگوار چنین یاد می کند:

عمده المفسـرین، امین الدین ثقهالاسلام، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی [که] تفسیر کبیر او مسمّی به مجمع البیان، در جامعیت او در فضل و کمال، بیانی کافی و دلیلی وافی است.(۲)

علاـمه طبرسـی در حـوزه هـای گونـاگون دانش اسـلامی از جمله فقه، حـدیث، تفسـیر، کلاـم و همچنین در ادبیـات عرب، متبحر و متخصص بوده است. شیخ عبدالمجید سلیم (دانشمند اهل تسنن) درباره وی می گوید:

مؤلف مجمع البیان را ژرف اندیش، دارای تدبر بسیار، برخوردار از علم فراوان در سبک نگارش و تعبیر بسیار قوی دانستم.(۳)

۱- مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۴۱۱.

۲- مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۴۲۱.

۳- طبرسی و مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۶، به نقل از: مقدمه مجمع البیان، ص ۱.

ص: ۵۶

ص: ۵۷

فصل چهارم: فعالیت های سیاسی، مذهبی و فرهنگی علامه طبرسی

اشاره

فصل چهارم: فعالیت های سیاسی، مذهبی و فرهنگی علامه طبرسی

زیر فصل ها

۱. شرایط سیاسی ایران در عصر طبرسی

۲. شرایط مذهبی ایران در عصر طبرسی

۳. وضعیت فرهنگی عصر طبرسی

۱. شرایط سیاسی ایران در عصر طبرسی

اشاره

۱. شرایط سیاسی ایران در عصر طبرسی

«دوره ای که ابوعلی طبرسی در آن می زیسته، به لحاظ سیاسی اجتماعی، دوره ای پر از اضطراب است که از حذف شدن حکومت غزنوی در خراسان و حکومت های ایرانی در عراق، فارس، کرمان، گرگان و طبرستان آغاز می شود و با تسلط های پیاپی قبایل و غلامان ترک بر ایران و تشکیل سلسله هایی از رؤسای قبایل کوچک و بزرگ زردپوست و غلامان و سرداران آنان در تمام ایران همراه است. این دوره را در حقیقت باید دوره حکومت های ترک (سلجوقیان) در ایران دانست. اگرچه هنوز خلافت عباسی پابرجاست و جهان اسلام تحت نفوذ آنهاست، اما هم زمان با استیلای سلاجقه به سرزمین های اسلامی به خصوص شرق اسلامی، خلافت دچار ضعف شده بود. سلاطین سلجوقی نیز هر چند همه سنّی مذهب بودند، اما سلطه خود را بر آنان تحمیل می کردند».(۱)

سلاجقه، طایفه ای از ترکان غُز بودند که پس از سقوط غزنویان در فاصله سال های ۴۲۹ه .ق تا اوایل قرن هشتم؛ در منطقه ای گسترده از شرق که شامل

۱- رضا واعظی، اندیشه سیاسی طبرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۷.

ص: ۵۸

خراسان، عراق، کرمان، شام و قسمتی از بلاد روم (ترکیه کنونی) بود، حکومت و فرمانروایی کرده اند. پنج شاخه از ترکان غز به اسامی سلاجقه بزرگ، سلاجقه عراق، سلاجقه کرمان، سلاجقه شام و سلاجقه روم شهرت یافتند که کم و بیش، از سلاجقه بزرگ که قلمرو آنان از حَلَب تا کاشغر امتداد داشت، پیروی می کردند. دولت سلجوقی به همت طغرل بیک و بازماندگان او؛ یعنی آلب ارسلان و ملک شاه، قلمرو آنان وسعت یافت و در سایه تدبیر خواجه نظام الملک، حوزه فرمانروایی آنان به حد مملکت ساسانیان رسید. سلاجقه برای حفظ موقعیت سیاسی خود، به تقویت دستگاه خلافت بغداد پرداختند.(۱)

الف) حکومت سلجوقیان

الف) حکومت سلجوقیان

سلجوقیان بخشی از امپراتوری نخستین (گوک تورک) را در اوایل سده هشتم میلادی تشکیل می دادند و کتیبه های اورخون، سال نامه های سلطنتی این امپراتوری را از آنها دانسته اند. آنها در اواخر سده چهارم،ه . ق در سرحدات و حواشی شمالی امارت سامانی ظاهر شدند و از این زمان، حضوری شفاف و روشن در تاریخ اسلام یافتند.

در این روزگار، سلجوقیان و دیگر گروه های غزان در حواشی خوارزم و ماوراء النهر به خدمت سامانیان درآمدند. سامانیان در این دوران دچار مشکلات بسیاری بودند و سرانجام سلاجقه، جانشین آنها در شمال جیحون شدند. سلجوقیان، چند سال بعد به خراسان رخنه کردند و به طرف غرب تا شمال ایران هجوم آوردند و سوارگان سبک سلاح و چابک آنها در مقابل سپاه مجهز، ولی کم تحرک غزنوی به پیروزی رسیدند. آنها پس از شکست سلطان

۱- مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۳۳۶.

ص: ۵۹

مسعود غزنوی در دندانقان در سال ۴۳۱ ه .ق، کل خراسان را تصرف و سپس نواحی دیگر ایران را اشغال کردند.

طولی نکشید که طغرل (مؤسس سلجوقیان بزرگ) در سال ۴۴۷ ه .ق وارد بغداد شد و شاهزاده بویهی الملک الرحیم خسرو فیروز را عزل کرد و آخرین حکمران آل بویه در جنوب ایران، قدرت خود را از دست داد.

هنگامی که طغرل برای نخستین بار و به طور موقت، نیشابور، تختگاه خراسان را اشغال کرد (۴۲۹ ه .ق)، این ناحیه را به استقلال رساند و به نام خود خطبه خواند و لقب «سلطان معظم» را برای خود برگزید.

در این روزگار، خلافت عباسی دچار ضعف شدید شده بود و با گرایش سلجوقیان به اسلام و دریافت مشروعیت سیاسی از خلافت بغداد، جریانی تازه در تعاملات سیاسی کشورهای اسلامی آغاز شد. طغرل، نجات بخش خلیفه از فشار قدرت های شیعی چون آل بویه، آل مزید و فاطمیان شد. مقام و موقعیت طغرل در سرزمین های مرکزی و شرقی جهان اسلام، تقسیم بندی قدرت میان خلیفه عباسی به عنوان رهبر روحانی و معنوی و سلطان سلجوقی در مقام رهبر دنیوی را شفاف و روشن تر ساخت. این دوگانگی قدرت، از ویژگی های دوره سلجوقی در تاریخ اسلام بود.(۱) برخی پادشاهان و وزیران سلاجقه عبارتند از:

یک آلب ارسلان

آلب ارسلان، برادر زاده طغرل، پس از مرگ طغرل حکومت را به دست گرفت. وی در سال ۴۵۵ه . ق بر تخت شاهی نشست و در سال ۴۵۶ه . ق

۱- باثورت، سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، صص ۷۶ ۸۰.

ص: ۶۰

عمید الملک کندری، وزیر بالیاقت طغرل را به تحریک نظام الملک کشت و وزارت را به نظام الملک سپرد.(۱)

آلب ارسلان بـا درایت خواجه نظام الملک، نخست به تثبیت اوضاع داخلی پرداخت. وی در سال ۴۶۳ه .ق با امپراتور روم که برای تصرف بغداد و انتشار مسیحیت لشکر کشیده بود، جنگید و آنها را شکست داد. سرانجام آلب ارسلان در ربیع الاول سال ۴۶۵ه . ق پس از ۹ سال حکومت و گسترش قلمرو حکومت سلجوقیان و انتقال تمدن اسلامی به مناطقی از روم به دست یکی از نگهبانان دژ کشته و در مرو به خاک سپرده شد.(۲)

دو ملک شاه

به وصیت آلب ارسلان، ملک شاه، جانشین وی شد. او از همان آغاز پادشاهی، سه هدف را دنبال کرد: نابودی رقیبان و دشمنان، حفاظت از میراث پدر و اجداد خود و گسترش نفوذ سلجوقیان بر بخش های مختلف جهان اسلام و سرزمین های غیراسلامی تحت تصرف رومیان.(۳)

ملک شاه با تدبیر و درایت خواجه نظام الملک، به موفقیت ها و پیشرفت هایی دست یافت، چنان که دوره ملک شاه، به عنوان دوران اوج قدرت سیاسی سلجوقیان شناخته شده است. مرگ ملک شاه در سال ۴۸۵ه .ق اتفاق افتاد. چندی بعد به جای حاکمیت مقتدرانه سلطان، در نتیجه اختلاف هایی که بر سر جانشینی وی بود، وضعیتی آشفته حاکم شد و حکومت مقتدر سلجوقیان به ضعف و انحطاط و فروپاشی گرایید.

۱- بویل، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه: حسن انوشه، ج ۵، ص ۶۲.

۲- ملیحه ستارزاده، سلجوقیان، ص ۷۸.

۳- سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، صص ۱۰۰ ۱۱۹.

ص: ۶۱

سه خواجه نظام الملک

ابـوعلی حسن بن علی طوسـی (۴۰۸یا ۴۱۰ه .ق ۴۸۵) در اوایـل دوره فعـالیت خـود و به احتمـال، از طرف آلب ارسـلان لقب نظـام الملک یافت. وی نیز مانند بسیاری از چاکران و خادمان خراسانیِ دسـتگاه سلجوقی کار خود را در مقام کارگزار دولتی در خدمت غزنویان آغاز کرد. وی هرگز از آرمان خود برای ایجاد اسـتبداد متمرکز غزنوی دور نشـد، چنان که در کتاب سـیاست نامه، همواره پیروی و تقلیـد از شاهان نیرومند و جباری مانند سـلطان محمود غزنوی و عضدالدوله بویهی را به سـلطان سـلجوقی توصـیه می کند. ابوعلی نزد امـام موفق، از علمـای شـافعی بزرگ نیشـابور، شاگردی کرد. این شاگردی به او کمک کرد تا به عقایـدش در زمینه فقه شافعی و کلام اشـعری سامان دهـد، ولی تعصب در تعلیم و تربیت و هواخواهی از این حوزه معرفت را بعدها با ساختن مدارسـی در نقاط مختلف ثابت کرد.

با مرگ ابوعلی بن شاذان، وزیر آلب ارسلان، نظام الملک به وزارت رسید و با مرگ چغری (برادر طغرل که امور خراسان بر عهده او بود) نیز مدیر و متولی امور خراسان شد. در زمان پادشاهی آلب ارسلان، نظام الملک در نظارت بر امور امپراتوری، دستی داشت. در مدت هفت سال نخست پادشاهی ملک شاه، نظام الملک قدرتی بسیار در دولت سلجوقی یافت.(۱)

دوره پادشـاهی آلب ارسـلان و ملـک شاه، دوران اوج قـدرت امپراتوری سـلجوقی به شـمار می رود. این دوره سـی ساله را ابن اثیر «الدوله نظامیه» یا «عصر وزیر بزرگ، نظام الملک» نامیده است.

دستاوردهای این دیوان سالار برجسته ایران در این مدت، عبارت است:

۱- سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، ص ۲۴.

ص: ۶۲

۱. ایجاد سپاه منظم و ثابت که هم اعضای سرکش و آشوبگر خاندان سلجوقی را سرکوب کند و هم پاسخ گوی انگیزه توسعه طلبی سلاطین سلجوقی باشد.

۲. سازمان دهی دیوان سالاری که در آن به سنت اداری، ایرانی اسلامی به بهترین شکل عمل شود.

۳. احیای مذهب تسنن در ایران و عراق با ساخت نهادهای آموزشی.(۱)

در اواخر سلطنت ملک شاه، به دلیل اختلاف های میان شاه و خواجه وی به دستور ملک شاه عزل شد و مقام وزارت به تاج الملک قمی رسید. دیری نپایید که خواجه در نهاوند به دست یکی از فداییان حسن صباح به ضربت کارد کشته شد. این واقعه در دهم رمضان سال ۴۸۵ ه .ق روی داد. جسد خواجه نظام الملک را به اصفهان منتقل و در آنجا دفن کردند. در همان سال ملک شاه نیز کشته شد. با مرگ ملک شاه و نظام الملک، حکومت سلجوقیان دچار آشوب شد، به گونه ای که تا مدت ها میان مدعیان سلطنت جنگ و اختلاف بود و پس از سلطنت کوتاه مدت بر یکارق و سلطان محمد، سلطان سنجر، همه ممالک سلجوقی را زیر سلطه خود درآورد (۵۱۱ ه .ق) و بیش از ۴۰ سال در شرق و غرب ایران سلطنت کرد.(۲)

ب) موضع گیری سیاسی طبرسی در قبال حکومت

ب) موضع گیری سیاسی طبرسی در قبال حکومت

حوادث و ناملایمات عصر طبرسی، فراوان بود و شیعه در شرایط سختی به سر می برد. بر این اساس، طبرسی با پیشه کردن مرام و مسلک علمای شیعه در زمان غیبت، با توجه به نیازهای عصر خویش فعالیت هایی نیز در این زمینه داشت. وی برای رفع چالش ها و

۱- عبدالعظیم رضایی، گنجینه تاریخ، ج ۱۱، ص ۱۹۷.

۲- احمد کمال الدین حلمی، دولت سلجوقیان، ترجمه: عبدالله ناصری طاهری، ص ۱۹۷.

ص: ۶۳

بحران های زمانه بسیار کوشید و بحران های زمانه را که به عقیده او ناشی از تنش ها و منازعه های مذهبی میان فرق اسلامی است، به عنوان مهم ترین بحران ها تشخیص داد و ریشه آن را در تعصب ها و کج فهمی های بزرگان مذاهب می دانست.

از جمله فعالیت ها و حرکت های اصلاحی علامه طبرسی در این زمینه، نگاشتن کتاب های بسیار است و بیشتر آثار وی در این زمینه نگاشته شده است. ابوعلی طبرسی به طور مستقیم به موضوع های سیاسی نپرداخت، ولی نکته های ارزشمندی در این زمینه، از آثار تفسیری، اخلاقی و فقهی او قابل استخراج است. از جمله این آثار، مجمع البیان است. شیخ طبرسی در تفسیر خود از آرای شیعه و اهل سنت استفاده کرد و با تعدیل و میانه روی، برای نزدیکی و وحدت میان فرقه های اسلامی کوشید.

وی در مقدمه مجمع البیان بر استفاده از روشی معتدل و مبتنی بر عقلانیت تأکید می کند و دلیل آن را تحمل نکردن اندیشه های عصر خود می داند و این خود، گویای شرایط بد نظری و فکری در عصر طبرسی است. وی می نویسد:

... استدلالات بسیاری را در صحت اعتقادات خود اعم از اصول و فروع و معقول و منقول به گونه ای معتدل و بالاتر از ایجاز و پایین تر از تفصیل بیان کرده ام؛ زیرا اندیشه های عصر حاضر تاب تحمل سنگینی فراوان ندارد و از تلاش در میادین مسابقات بزرگ ناتوان است؛ زیرا از علما تنها نامی باقی مانده و از علوم تنها رمقی.(۱)

کتاب آداب الدینیه للخزانه المعینیه شیخ طبرسی نیز قابل توجه است. این کتاب به نام سلطان معین ابونصر احمد بن فضل بن محمود، وزیر دولت سلجوقی نگاشته شده و شامل ۱۴ فصل از ابواب اخلاق و تربیت است. «طبرسی در این اثر، با اتکا به روایات معصوم •ین، آداب فردی را در زمینه های مختلف بیان می کند و در خاتمه کتاب، پس از آنکه تمامی نکات مربوط به رفتار فردی را

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۸.

ص: ۶۴

بیان کرده، نکات ارزشمندی در خصوص شیوه های رفتار حاکم با مردم بیان می کند و خدمت به مردم را بزرگ ترین عبادت می داند. نکاتی را که طبرسی در این باره بیان می فرماید، می توان چنین خلاصه کرد:

۱. توفیق عمل به سنت های الهی و دستورات اسلامی؛

۲. تلاش در جهت نشر و گسترش سنت ها و ارزش های اسلامی در جامعه؛

۳. پرهیز و جلوگیری از انتظار ارباب رجوع در محل کار و حل سریع مشکلات آنها؛

۴. کوچک نشمردن امور مردم حتی برای یک بار؛

۵. سعی در رسیدگی و حل مشکلات و درخواست های اهل ایمان و ترجیح دادن آنها نسبت به افراد دور از ایمان».

با توجه به آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت اگرچه طبرسی در دستگاه حکومت وقت، مقام و منصبی را اختیار نکرد، با نگاشتن کتاب های متعدد، نظریه های سیاسی خود را اعلام کرد که این نظریه ها نه فقط در حکومت آن عصر و زمانه، بلکه در حکومت های سیاسی همه زمان ها قابل بهره گیری و الگوبرداری است. بر این اساس، گفته می شود طبرسی افزون بر اینکه مفسر، فقیه و دانشمندی اسلام شناس است، نظریه پرداز سیاست اسلامی نیز هست.

۲. شرایط مذهبی ایران در عصر طبرسی

اشاره

۲. شرایط مذهبی ایران در عصر طبرسی

در سده ۷۵۰ تا ۸۵۰ میلادی، در مناطق تحت حکومت سلجوقیان بزرگ و بازماندگان آنها، امپراتوری قدرتمندی پدید آمد که از زمان اوج خلافت عباسی، بی سابقه بود. پادشاهان سلجوقی در نیمه دوم قرن پنجم، با قرار گرفتن در صدر این امپراطوری، با کمک خلفای زمان خود، نظمی به وجود

ص: ۶۵

آوردند که به موجب آن، خلیفه، مقام اول روحانی و معنوی جامعه تسنن اسلامی را پیدا کرد، درحالی که سلطنت نیز بازوی اجرایی حکومت آرمانی اسلامی آنها شده بود. در این شرایط، خلافت و سلطنت به هم پیوست؛ زیرا سلطان اقتدار خود را با نظارت شریعت، از خلیفه دریافت می کرد و خلیفه نیز سلطنت را قدرت کنترل کننده ای می دانست که به تنهایی می توانست ثبات را در تشکیلات حکومتی، برقرار و مسلمانان را برای زندگی بهتر دنیا و آخرت آماده کند. امام محمد غزالی، چارچوب نظری رابطه میان خلافت و سلطنت و همکاری میان خلیفه و سلطان را در نوشته های خود اعلام کرد.

در این زمان، تشیع آل بویه اقتدار سیاسی خود را از دست داده بود. ازاین رو، تسنن در سرزمین های ایران و عراق از حمایت کامل سلجوقیان برخوردار شد و نیروی فکری زنده و پیش رونده یافت و جریان های گوناگون فکری را درهم تنید. ازمیان مذاهب اسلامی، مذهب حنبلی و شافعی اقتدار بیشتری داشتند. مذهب حنبلی در دوره سلجوقیان از توجه و حمایت بیشتر هیئت حاکمه سلجوقی برخوردار شد و پادشاهانی چون طغرل بیک و آلب ارسلان از هواداران مذهب حنفی بودند. آنها در قلمرو خود تا آنجا که امکان داشت، از وجود ائمه، قضات و خطبای حنفی بهره گرفتند و شافعیان را در فشار قرار دادند تا تعادل به سود اشعریان و شافعیان را برهم زنند.(۱)

غیر از شافعی و حنفی، در این دوران مذاهبی دیگر نیز در قلمرو پهناور سلجوقیان رواج داشت. در کنار مذاهب اسلامی، مشرب های کلامی مانند معتزله، اشاعره، مجسمه، مشبهه و کرامیه رواج داشتند.

«بنابراین، نیمه دوم قرن پنجم، تمام قرن ششم و ابتدای قرن هفتم، از مهم ترین دوره هایی است که اختلاف های دینی و اعتقادی در آن شدت گرفت

۱- سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، صص ۱۲۰ ۱۲۳.

ص: ۶۶

و علوم دینی در آن رواج یافت و علمای مذهبی و فقها در شئون حکومت و سیاست وارد شدند، فلسفه و علوم عقلی را حرام شمردند و باعث شدند که علم از محور حقیقی آن، که بحث از حقایق اشیا بود، منحرف شود و تنگ نظری پدید آید. عامه مردم، سنی مذهب بودند و به خلفای عباسی اعتقاد عجیبی داشتند. سلاجقه نیز به مذهب تسنن تعصب داشتند و با عامه مردم در مورد خلیفه بغداد هم عقیده بودند».(۱)

رشد و بالندگی سیاسی مذهبی اسماعیلیان (یا شیعیان هفت امامی فاطمیان) را نیز باید بر این تنوع مذهبی افزود. آنها در این عصر در اوج قدرت خود به سر می بردند و بسیاری از توان سیاسی و عقیدتی سلجوقیان و خلفای عباسی، صرف مقابله با این فرقه نیرومند مذهبی می شد. افزون بر آنکه این سده ها از مهم ترین دوره های تاریخ تصوف، نه فقط در ایران، بلکه در مناطق دیگر است، در سده ششم، کهن ترین طریقت های سازمان یافته صوفیه پایه گذاری شد و برخی اجزای شعایر طریقت به وجود آمد.(۲)

در این عصر به دلیل حمایت های سیاسی و فکری سلطنت از دین، امور مذهبی رونق و شکوفایی بسیاری یافت. فقها، محدثین، علما و دانشمندان مذهبی در مدارس مختلف این عصر به تحصیل و تألیف پرداختند و بازار مناقشه های مذهبی میان فرقه های گوناگون گرم بود.

در این دوره، فرقه حنبلی و شافعی از بیشترین اعتبار و اقتدار برخوردار بودند، ولی در کنار آنها فرقه های شیعه و فرقه های متعدد کلامی، در سرزمین پهناور سلجوقیان پیروانی داشتند. فرقه اسماعیلیه نیز افزون بر فعالیت های مذهبی، فعالیت های گسترده و شاخص سیاسی و نظامی داشت. در کنار همه این فرقه ها، تصوف اسلامی، دوره رواج و شکوفایی خود را می گذراند.

۱- دولت سلجوقیان، ص ۱۵۰.

۲- تاریخ ایران کمبریج، ص ۲۸۲.

ص: ۶۷

در مقابل، جهان اسلام شاهد عقب نشینی و زوال تدریجی علوم عقلی و فلسفی طبیعی بود.

الف) وضعیت شیعه در عصر طبرسی

الف) وضعیت شیعه در عصر طبرسی

با مطالعه منابع و آثار این دوره، آشکار می شود که اهل تسنن بر دیگر فرقه ها غلبه داشته و بیشتر پادشاهان و امرا و حکام این دوره، از اهل سنت بودند و عقاید اصولی آنان نیز، با شیعه، مغایر بود. با وجود این غلبه و مشکلاتی که برای شیعه وجود داشت، تشیع همچنان در حال پیشرفت بود.(۱)

از فرق متعدد شیعه تنها چهار فرقه در این دوره اهمیت خود را همچنان حفظ کردند:

۱. نصیریه (اهل غلو و کسانی که به علی(ع) نسبت الوهیت می دهند)؛

۲. زیدیه (پیروان زید بن علی، فرزند امام سجاد)؛

۳. اسماعیلیه (یا شیعیان هفت امامی)؛

۴. اثنی عشریه یا امامیه.(۲)

غیر از شیعیان هفت امامی (اسماعیلیه) که قدرت سیاسی و نظامی بالایی داشتند، شیعه اثنی عشریه در این عهد از دیگر فرقه ها وضعیت بهتر و قدرت بیشتری داشت. در دوره اول سلطنت سلاجقه و در اصل از دوره سلطنت سلطان محمود غزنوی به بعد، سیاست ضد شیعی شدیدی در مشرق ایران حاکم شده بود و شیعیان را به شیوه های گوناگون آزار و اذیت می کرد. بااین حال، این سیاست چندان دوامی نداشت. در دوره سلجوقی نیز با وجود سیاست ضد شیعی سلجوقیان، مراکز شیعه در ایران، مانند مناطق دیگر، رونق یافت. شیعیان مدارس، مساجد و کتاب خانه هایی برای خود ساخته و حتی در

۱- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، ص ۱۶۱.
۲- تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، ص ۲۷۷.

ص: ۶۸

دربار نفوذ کردند، چنان که پس از قتل خواجه نظام الملک، بزرگان شیعه، به دستگاه های ترکان راه یافتند و بسیاری از آنان را با خود هم داستان کردند.(۱)

دو اثر شیعی دوره سلجوقیان؛ یعنی کتاب النقض، نوشته قزوینی و تبصره العوام، اثر سید مرتضی رازی، از گسترش و پراکندگی تشیع در این دوره بحث می کند. اگرچه دو گروه مهم سنی و شیعه، گاه با هم مناقشه داشتند و در برخی آثار اهل تسنن از شیعیان با عنوان «روافض» یاد شده است، ولی هم زیستی مسالمت آمیزی نیز با هم داشتند و گاهی برخی از شیعیان در سلسله مراتب امور دیوانی سلجوقیان، به وزارت برگزیده شدند.(۲) بسیاری از دانشمندان شیعه در این دوره پرآوازه شدند که از فضل بن حسن طبرسی، ابوالفتوح رازی، احمد طبرسی (صاحب احتجاج)، عبدالجلیل رازی، ابن شهر آشوب، شیخ منتجب الدین و قطب الدین راوندی می توان نام برد.(۳)

از راه های تبلیغ شیعه برای نشر عقاید و گسترش نفوذ خود، استفاده از «مناقبیان» یا «مناقب خوانان» بود. مناقب به معنای فضایل است و مناقب خوان به کسی می گفتند که بر سر بازارها و خیابان ها فضایل علی(ع) و فرزندان آن حضرت را بازگو و ستایش می کرد. مناقبیان در دوران آل بویه وجود داشتند و فعالیت آنها در اوایل دوره سلجوقی در عراق و طبرستان ادامه داشت. اهل سنت برای خنثی کردن تأثیر مناقب خوانان، از «فضایل خوانان» استفاده کردند که فضایل ابوبکر و عمر را می خواندند و به شیعه ناسزا می گفتند. به گفته کتاب النقض، اشعار این فضایل خوانان تقلیدی از اشعار مناقب خوانان بود.(۴)

۱- تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، ص ۲۷۹.

۲- سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، ص ۱۲۵.

۳- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰۷.

۴- تاریخ ایران کمبریج، ص ۲۸۰.

ص: ۶۹

از آنچه در کتاب هایی چون تبصر ه العوام، کتاب النقض و راحه الصدور آمده است، نتیجه می گیریم گذشته از بغداد و محله شیعه نشین معروف آن؛ کرخ، در ایران عصر سلجوقی، شهرهایی چون کاشان، تفرش، آوه، قم، ری، ساری، قزوین، ارم و بلاد مازندران را از مراکز شیعه می دانستند. در خراسان نیز شیعیانی در شهرهای نیشابور و سبزوار زندگی می کردند.(۱)

ب) مشاجره ها و مناقشه های مذهبی

ب) مشاجره ها و مناقشه های مذهبی

سلجوقیان به پشتیبانی از اهل سنت پرداختند، ولی نتوانستند تشیع را از میان ببرند. در حقیقت، فاصله میان دو قرن پنجم و ششم هجری را باید دوران مجادله سخت دینی در ایران دانست.(۲) در این دوره، بحث ها و مشاجره های مذهبی فراگیری میان علمای مذاهب صورت می گرفت که گاه به ستیز و خون ریزی می انجامید.

در میان سنیان درباره برتری مذهب حنفی و شافعی، جبر و اختیار، رؤیت (دیدن خدا) و نفی آن یا برتری مذهب اشعری، معتزلی و کرامی و میان سنیان و شیعیان، در مسائل گوناگون و میان همه آنان با باطنیان، بحث ها و اختلاف های شدید و گسترده ای درمی گرفت که به تشکیل مجالس و تألیف کتاب ها یا به گرفتن اقرار کتبی به ترک عقیده ای و پذیرش عقیده ای دیگر می انجامید و گاه با تبعید یا قتل پایان می یافت. از دیگر سو، بحث های تند و مشاجره های سران مذهبی و فِرق، مایه تحریک پیروان آنان می شد و تنش های خونینی را میان آنها ایجاد می کرد.(۳)

در اصفهان، میان شافعیه و حنفیه که تحت ریاست «آل خجند» بودند، در ری میان شافعیه و حنفیه و شیعه و در دیگر سرزمین های عراق و

۱- تاریخ ایران کمبریج، ص ۲۸۰.

۲- علامه محمدحسین مظفر، تاریخ شیعه، ترجمه: سید محمدباقر حجتی، ص ۳۰۰.

۳- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۳۶.

ص: ۷۰

خراسان نیز همواره این نوع کشمکش های مذهبی وجود داشت و همه فرقه ها، جداگانه با اسماعیلیه که آنان را ملاحده می خواندند، مخالفت و درگیری داشتند. این کشمکش ها با خون ریزی های مستمر ادامه داشت. در جامعه ای که فقط دین و مذهب، دلیل امتیاز مردم از یکدیگر باشد، به طبع، بحث در خوبی و بدی دین و مذهبی پایین تر از ادیان و مذاهب دیگر پیش می آید.(۱)

مسئله ای که در این دوره بسیار جالب توجه است، بیان فضایح مذاهب گوناگون است. برای مثال، حدود سال ۵۵۶ه . ق یا اندکی پیش از آن، کتابی در انتقاد شیعیان به نام بعض فضایح الروافض نوشته شد. در این کتاب به هفتاد فضیحت شیعه اشاره شده است. شیعیان نیز در مقابل، چند سال پس از نگارش آن کتاب؛ یعنی در سال ۵۶۰ کتابی در نقض آن کتاب نوشتند و آن را نقض مثالب النواهب فی نقض بعض فضایح الروافض نامیدند که از کتاب های مشهور شیعه و به نام کتاب النقض معروف است. در کتاب های دیگر این دوره نیز مانند الملل و النحل، اثر شهرستانی یا تبصره العوام، نوشته سیدمرتضی رازی و مانند آنها از بیان فضایح فرقه های گوناگون غفلت نشده است.(۲)

ج) نقش طبرسی در ایجاد وحدت مذهبی

ج) نقش طبرسی در ایجاد وحدت مذهبی

در عصری که تنش ها و مناقشه های مذهبی از حد قلم و زبان گذشته بود و به زد و خوردهای فیزیکی می انجامید، ضرورت رشد و احیای اندیشه وحدت فکری و تفاهم مذهبی احساس می شد. برای تحقق این امر به وجود افرادی نیاز بود که به دور از این تعصب های پوچ، درباره فرقه های گوناگون

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، ص ۱۴۷.

ص: ۷۱

اسلامی مطالعه و پژوهش کنند و با سلاح اندیشه و استدلال، زمینه وحدت و تفاهم را فراهم آورند. «علامه طبرسی با عنایت به مقتضیات زمان و به منظور کاستن اختلاف های موجود، قرآن مجید را که مورد احترام و قبول همه مذاهب اسلامی بود، اساس کار خود قرار داد. آزاداندیشی، بلندنگری، سعه صدر، عفت قلم و انصاف در پژوهش، از خصایص بارزی است که در کتاب مجمع البیان وی به چشم می خورد. او خود را در منبع یا منابع محدودی محصور نساخت، بلکه اندیشه های مخالف و موافق را نظاره کرده و دامنه پژوهش و تحقیق را از مرزهای اندیشه خود گذراند و به... کاوش دیگران ره سپرد و با نظر یکسان به همه اصناف و فرقه ها، آنچه را صحیح و معقول بود، می پذیرفت و در تقدیم و تأخیر آن غرض خاصی نداشت».(۱)

محمدحسین ذهبی، دانشمند اهل تسنن، درباره اعتدال علامه طبرسی چنین می گوید:

طبرسی در مذهب خود معتدل بود و مانند دیگران اهل غلو درباره امام های دوازده گانه نبود. وقتی تفسیرش را می خوانیم، در آن تعصب زیادی مشاهده نمی کنیم. او هیچ گاه یکی از صحابه را تکفیر نکرده یا در مورد عدالت و دین داری آنان طعنه نزده است، همچنان که درباره مرتبه علی غلو نکرده... .(۲)

«طبرسی در مجمع البیان، بین تمامی علوم جمع کرده و به اقوال مختلف در تفسیر احاطه داشته است و هر جا که قولی را از اهل بیت نقل می کند، اعتدال و عدم تعصب را رعایت کرد و نسبت به نظریات مختلف، با ادب و سعه صدر برخورد می کند، به نحوی که در کلام او چیزی مبنی بر نفرت از دشمن یا بدگویی و مسخره کردن مخالف نمی یابیم».(۳)

۱- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۰۸.

۲- التفسیر و المفسرون، جزءالثانی، ص ۱۴۲.

۳- سید محسن امین، اعیان الشیعه، جزء الثامن، ص ۳۹۸.

ص: ۷۲

این روش اعتـدال علامه در تفسـیر، بیانگر دوری وی از تعصب و جمود فکری است که در ایجاد وحدت میان اهل تسـنن و شـیعیان مؤثر بود. با این ویژگی، تفسیر او نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل تسنن از تفاسیر معتبر شناخته می شود.

برای نمونه، طبرسی در معنای آیه «اهدِنَا الصِّرَاطَ المُستَقِیمَ» می گوید:

در معنی صـراط مسـتقیم، وجـوهی گفتـه شـده اسـت: یکی که مقصـود کتـاب خـداست و آن از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و علی(ع) و ابن مسـعود روایت شـده است. دیگر آنکه مقصود، اسـلامی است که این نیز از جابر و ابن عباس روایت شـده است. سوم آنکه مراد، دین الهی است که جز آن از بنـدگان پـذیرفته نمی شود. این وجه [اخیر] از محمد بن حنیفه روایت شده است و بالاخره، چهـارم آنکه مقصود، پیـامبر اکرم و ائمه جانشـین او می باشـند و این در اخبار ما روایت شـده است، ولی بهتر آن است که آیه را به عموم حمـل کنیم تـا همه این وجوه را در برگیرد؛ زیرا «صـراط مسـتقیم» همـان دینی است که خداونـد بـدان امر کرده و آن عبارت است از توحید و عدل و ولایت کسی که اطاعتش را واجب شمرده و بدان امر کرده است.(۱)

۳. وضعیت فرهنگی عصر طبرسی

اشاره

۳. وضعیت فرهنگی عصر طبرسی

از پی آمدهای حکومت سـلجوقیان، اقتدار تسـنن به عنوان مذهب برتر در سرزمین های مرکزی جهان اسلام بود. سلجوقیان در آغاز وحشـی بودنـد، ولی می دانسـتند چگـونه از وجـود ساختارهـای دیوانی ایرانیـان و اعراب بهره بگیرنـد و وزرای انتخـابی آنهـا مـانند کنـدری، نظـام الملـك و طغرایی، از نظر فرهنگی چنـان تأثیری بر اربابان خود بر جای گذاشـتند که بر وزیران سـده چهارم آل بویه پیشی گرفتند.

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۸.

ص: ۷۳

استقرار امپراتوری سلجوقی، زبان عربی را که تنها زبان جوامع فرهیخته و ادبی خاورمیانه بود، از صحنه راند. سلجوقیان با مهاجرت به ماوراءالنهر (که هنوز ایران و زبان فارسی بر آن حاکم بود) سرتاسر ایران را تصرف کردند و چون از سطح والایی از فرهنگ و میراث ادبی بهره مند نبودند، زبان فارسی، زبان دیوانی و فرهنگی آنان در سرزمین های ایران و آناتولی شد. زبان فارسی، در تمدن عثمانی چنان رخنه کرد و ریشه دواند که تا سده نوزدهم، قدرت و کاربرد داشت.(۱)

از ویژگی های فرهنگی عصر سلجوقی، رشد و شکوفایی هنرهای گوناگون است. «به طور کلی، هنر در زمان سلجوقیان رواج یافت و با تشویق هنرمندان و حمایت از آنان، پیشرفت قابل ملاحظه ای کرد. می توان گفت عظمت و شکوه هنر ایرانی، از عصر سلجوقی تاکنون حفظ شده است. سلاجقه، اصول هنری ایرانی را گسترش دادند، به طوری که این اصول در سرزمین های شام و آسیای صغیر، بلکه در مصر و شمال افریقا خود را نشان دادند. می توان گفت در این دوره، نهضتی کم نظیر در عرصه هنر به وجود آمد که آثار آن تا عصر مغول باقی ماند. این نهضت به قدری عظیم بود که صاحب نظران، عصر سلجوقی را درخشان ترین عصر هنر ایرانی می دانند».(۲)

در عهد سلجوقی، انواع هنرهای ایرانی به رشد و شکوفایی رسیدند. معماری، ساختن مأذنه ها و برج ها، خطاطی، تذهیب، تصویرگری، جلدسازی، کنده کاری روی چوب، فرش بافی، شیشه گری، سفال گری و فلزکاری از جمله هنرهای این عصر است.(۳)

در عرصه ادبیات نیز زبان فارسی در کنار زبان عربی رشد و گسترش یافت. حاکمان سلجوقی نه تنها از ادبیات حمایت می کردند، بلکه برخی از

۱- سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، صص ۷۱ و ۷۲.

۲- دولت سلجوقیان، ص ۱۸۶.

۳- نک: همان، صص ۱۸۶ ۱۹۶.

ص: ۷۴

آنان، ادیبانی سخنور بودند و وزیرانی علاقه مند به علم و ادب مانند عمیدالملک کندری و نظام الملک طوسی داشتند که در پیشرفت علم و ادب نقش بسیاری ایفا کردند.

در عصر سلجوقی، شعر و نثر دری از محدوده دو قرن چهارم و پنجم هجری فراتر رفت و در عراق و آذربایجان نیز رواج یافت. در این دوره کتاب های فراوانی در زمینه های عرفانی (از جمله کشف المحجوب، آثار سهروردی، اسرار التوحید و تذکرهالاولیاء)، دینی، مذهبی (مانند بعض فضایح الروافض، النقض، روض الجنان و روح الجنان، کشف الاسرار و عده الابرار و...)، تاریخی (سیاست نامه، تاریخ بیهق، تاریخ طبرستان، تاریخ یمینی و...)، داستانی، اجتماعی و اخلاقی (قابوس نامه، کیمیای سعادت، کلیله و دمنه، چهارمقاله سمک عیار و مرزبان نامه) نگاشته شد.

از شاعران معروف این دوره، باباطاهر عریان، فخرالدین اسعد گرگانی، ناصرخسرو، سنایی، انوری، خیام، مسعود سعد، خاقانی، نظامی گنجوی و عطار را می توان نام برد.

از برجسته ترین ویژگی های فرهنگی این عصر، وجود مدارس فراوان و باشکوه در شهرهای گوناگون است که یا به دست نظام الملک یا به پیروی و تقلید از وی ساخته شده است. مهم ترین این مدارس، نظامیه ها بودند که به دستور خواجه نظام الملک ساخته شده بود و می توان گفت جریان اصلی اندیشه این دوره، به دست استادان و گردانندگان این مدارس هدایت می شد. با این حال، مدارس نظامیه برای ترویج فلسفه و فکر آزاد بنا نشده بود و علومی که در آنجا تدریس می شد، عبارت بود از: فقه، تفسیر، ادبیات عرب و علم کلام.(۱)

۱- تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۳۳۴.

ص: ۷۵

در این مدارس، شاگردان به خواندن علوم عقلی به ویژه فلسفه مجاز نبودند و اجازه مباحثه درباره فلسفه، هندسه و نجوم را نداشتند. آنها اجازه داشتند فقط به بحث و گفت وگو در حوزه های علوم دینی و شاخه های گوناگون آن بپردازند.

هر مدرسه به فرقه ای از فرقه های مذهبی اختصاص داشت و هر ثروتمندی که اموالش را وقف این مدارس می کرد، شرطش این بود که جز هم کیشان و هم مذهبان او در آنجا درس نخوانند.(۱)

در این مدارس، فقها، محدثان، مفسران و عالمان دینی رشد و تربیت می یافتند و برای ترویج علوم اسلامی می کوشیدند. بر این اساس به دلیل تعصب شدید حاکم بر جامعه علمی کشور و ممنوعیت تدریس برخی علوم مانند فلسفه، ریاضیات و منطق، علوم عقلی به ضعف و سستی گرایید و زمینه انحطاط تمدن اسلامی را فراهم آورد. البته با وجود تحریم فلسفه در این دوره، دانشمندانی چون امام فخر رازی، خیام و شهاب الدین یحیی سهروردی ظهور کردند.

الف) اوضاع علم و مدارس در دوره طبرسی

الف) اوضاع علم و مدارس در دوره طبرسی

از مهم ترین ویژگی های فرهنگی دوره طبرسی، نقش مدارس در جهت دهی فرهنگی کشور است. در این دوره، مدرسه که نوعی مؤسسه مسجدگونه بود، همراه با نهادهای آموزشی وابسته چون دارالعلم، از سده چهارم در ایران و عراق پدید آمد و آل بویه و والیان آنها با علاقه و اشتیاق تمام، در راه رونق و گسترش آن کوشیدند، اما مدرسه سازی در روزگار سلجوقیان، رشد و گسترشی تازه گرفت و کسانی چون نظام الملک، تاج الملک ابوالغنایم، مستوفی ملک شاه، شرف الملک ابوسعد، مستوفی حنفی، آلب ارسلان و وزرای حنبلی خلفای

۱- دولت سلجوقیان، ص ۲۴۵.

ص: ۷۶

عباسی به مدرسه سازی روی آوردند، ولی معروف تر از همه، شبکه ای از مدارس شافعی اشعری نظام الملک در سراسر قلمرو سلجوقیان بود.(۱)

«خواجه نظام الملک، با دو انگیزه به تأسیس مدارس مذهبی دست زد: یکی علاقه به علوم دینی و دیگر جانبداری از مذهب شافعی و اشاعره اشاعره که خود او از پیروان سرسخت آن بوده است. او چنان امکانات مادی و معنوی را به خدمت گرفت که نظامیه های وی، نظامیه های دیگر را تحت الشعاع قرار می داد. البته هدف از رشد بیش از حد نظامیه ها این بود که بتواند در این مراکز نیرومند و گسترده، افرادی را تربیت نماید که جلوی پیش روی، گسترش تبلیغات وسیع پیروان اسماعیلی و داعیان خلفای فاطمی در قسمت شرق اسلام و حوزه خلفای عباسی و پادشاهان سلجوقی را سد نماید. بدین طریق توانست اساس یک وحدت مذهبی را در این بخش از دنیای اسلام فراهم سازد. به دستور وی در ظرف یک سال، هفتاد مدرسه در کلیه سرزمین های اسلامی تأسیس گردید و عُشر درآمد مملکت، به تأسیس مدارس اختصاص یافت. وی شخصاً برای این مدارس، کتابدار، دربان و سرخدمت کار تعیین می کرد و استادان بنام را استخدام می نمود. مدرسان لباس مخصوص تدریس بر تن می کردند و از نظامات بسیار پیشرفته برخوردار بودند».(۲)

مدارس نظامیه از دیرباز، از مراکز علمی و مذهبی دنیای اسلام بود. استادان آن اغلب، اعلم واقفه دانشمندان عصر خود بودند. دانش پژوهان از دورترین سرزمین های اسلامی به این مدارس می آمدند و تحصیل در نظامیه را از بزرگ ترین افتخارهای علمی و اجتماعی خود می دانستند. فارغ التحصیلان نظامیه ها همان گونه که هدف مؤسس آن بود، به عالی ترین

۱- سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، ص ۱۲۴.

۲- عباس قدیانی، فرهنگ و تمدن، صص ۱۷۰ ۱۷۲.

ص: ۷۷

مراتب علمی، سیاسی و مذهبی آن زمان می رسیدند. کتاب خانه های بزرگ و مجهز این مدارس، انواع و اقسام کتاب ها را در اختیار طلبه علم قرار می داد و مجالس وعظ و خطابه ایشان برای استفاده عموم برپا بود.(۱)

«در همان ایام که نظام الملک به انشای [ایجاد] مدارس مشغول بود، ملک شاه، پادشاه سلجوقی به تقلید از وزیر خود، به ایجاد مدارسی توجه کرد و از جمله در حاشیه شهر اصفهان مدرسه ای ساخت. در همین عصر در نیشابور، مدارس دیگری احداث گردید، مانند مدرسه خاتون مهد عراق که کتاب خانه خوبی داشت و مدرسه میان بازار نیشابور، مدرسه سرویه و مدرسه دروازه عراق». (۲)

«نهضتی که خواجه نظام الملک برای ساختن نظامیه های نیشابور، بغداد، بلخ، بصره، موصل، هرات، اصفهان، آمل و طبرستان به وجود آورد، به زودی و با سرعتی شگفت آور، در سراسر بلاد اسلامی دنبال شد و چون قرن های پنجم و ششم، دوره رواج علوم مختلف خصوصاً علوم مذهبی و ادبی بود، توجه شاگردان فراوان به مدارس فی الحقیقه، وسیله تشویقی برای بانیان مدارس قرار می گرفت. مواد تدریس در این مدارس عبارت بود از فقه، حدیث، تفسیر، علوم ادبیه، علم حساب و طب.

هر یک از مدارس اغلب، به یکی از مذاهب مهم اختصاص داشته، چنان که گفتیم در مدارس این عهد جز علوم دینی و ادبی و مقدماتی از علم حساب که در فقه مورد حاجت بود، تدریس نمی کردند و احیاناً ممکن بود در بعضی از مدارس، تدریس طب نیز امکان پذیر باشد، اما سایر علوم عقلی در این عهد، به شدت و بیش از دوره مقدم، مورد تحریم و نفرت علمای دینی قرار گرفته بود و معمولاً این گونه علوم در حوزه های درس خصوصی تدریس می شده است و

۱- کسایی، ص ۱۴ مقدمه.

۲- تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، ص ۲۴۱.

ص: ۷۸

هریک از استادان، فلسفه و علوم شاگردان خود را بیرون از مدارس و مساجد تعلیم می داده اند و پزشکی بیشتر در بیمارستان ها تدریس می شد».(۱)

افزون بر مدارس نظامیه، چنان که گفتیم مدارس بسیار دیگری ساخته شد و هر مدرسه به فرقه ای از فرقه های مذهبی اختصاص داشت. شیعیان اثنی عشری، مانند دیگر مذاهب، مدارس و مراکز آموزشی داشتند که جز پیروان این مذهب از آن استفاده نمی کردند. تعداد این مدارس، با تعداد پیروان آن مذهب تناسب داشت. ازآنجاکه ری، قزوین، آوه، قم، مازندران و کاشان، مراکز مهمی برای تجمع شیعیان بودند، مدارسشان نیز در این شهرها متمرکز شد. عبدالجلیل قزوینی در کتاب خود النقض، تعدادی از مدارس شیعی را نام می برد که در آن زمان در سرزمین های اسلامی از ماوراء النهر و خراسان تا شام وجود داشت. به گفته وی از برخی مدارس برای درس و مناظره و از برخی دیگر برای نماز جماعت و قرائت قرآن و آموزش کودکان و برپایی مجالس موعظه و شنیدن فتاوا استفاده می شد. مردم به برخی از این مدارس توجه بیشتری داشتند. برای مثال، در مدرسه عبدالجبار ری، چهارصد فقیه و استادانی باسواد و متکلم و در مدرسه خواجه امام رشید رازی، بیش از دویست عالم صاحب مقام، به تدریس دین و اصول فقه و شریعت مشغول بودند.(۲)

ب) معاصران طبرسی

ب) معاصران طبرسی

همان گونه که گفته شد، وضعیت علوم دینی در دوره طبرسی، در اوج شکوفایی و رونق بود و با توجه به رونق مدارس و پایگاه های علمی، در این دوره دانشمندانی بزرگ در شاخه های گوناگون فقه، تفسیر، حدیث و دیگر علوم برخاستند. در میان معاصران طبرسی، از بیان نام شاگردان و استادان وی

۱- تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، صص ۲۴۵ ۲۵۰.

۲- دولت سلجوقیان، ص ۲۴۵.

ص: ۷۹

خودداری می کنیم؛ زیرا در بخش ویژه شاگردان و استادان علامه، از این دانشمندان بزرگ اسلام نام برده شد. در ادامه به نام برخی دیگر از معاصران علامه طبرسی می پردازیم.

یک ابوالفتوح رازی

ابوالفتوح رازی، از دانشمندان بزرگ اواسط قرن ششم و هم عصر طبرسی و از بزرگ ترین مفسران شیعه است. تفسیر معروف او، روض الجنان از ارزشمندترین کتاب های علمی و مذهبی است که به زبان شیوایی، حقایق قرآن مجید و آیات کتاب آسمانی را بررسی و تفسیر کرده است. ابوالفتوح و طبرسی، هم عصر بودند و اگرچه طبرسی در سبزوار و ابوالفتوح در ری می زیست و هر دو نیز از علمای نامی شیعه بودند، نه ابوالفتوح در تفسیر خود نامی از طبرسی برده و نه در مجمع البیان، اشاره ای به تفسیر ابوالفتوح شده است. بی شک، چنان که یکی از آن دو بزرگوار از تفسیر دیگری آگاهی داشت، از آن نام می برد.

ابوالفتوح رازی آثاری گران بها و ارزشمند دارد که همگی در نهایت استحکام و پختگی به نگارش درآمده اند. از آثار معروف او کتاب روح الالباب در شرح شهاب الاخبار است که متن آن از کافی محمد بن سلامه شافعی مصری (متوفی به سال ۴۵۴ه .ق) در موضوع حکم و امثال و آداب است. اثر دیگر او تفسیر معروف موسوم به روض الجنان در تفسیر قرآن است. روض الجنان، قدیمی ترین، محکم ترین و بزرگ ترین تفسیر فارسی شیعه است که تاکنون به دست ما رسیده است. سبک نگارش آن تا حدی مانند دیگر منشآت فارسی علمای اسلام در قرن ششم هجری است که از لحاظ تقدیم و تأخیر کلمات و جملات و مبتدا و خبر شبیه عربی است، ولی الفاظ و لغات شیرین و فارسی سره ای که در سراسر آن به کار برده شده و

ص: ۸۰

احاطه نویسنده به زبان فارسی برای استفاده از لغات فارسی به جای عربی، این تفسیر را در میان دیگر تفاسیر فارسی و کتاب های مذهبی برجسته و ممتاز کرده است. بدون مبالغه، تفسیر مجمع البیان، از منابع مهم و اصیل زبان فارسی است.(۱)

دو عبدالجلیل قزوینی

وی نویسنده کتاب النقض در رد کتاب بعض فضایح الروافض است. در عصر شیخ عبدالجلیل قزوینی، یکی از علمای متعصب عامه، کتابی به فارسی به نام بعض فضایح الروافض در رد شیعه نوشت. وی با استفاده از آزادی که داشت و محدودیت شیعیان در آن عصر، سخت بر شیعیان تاخت و علمای بزرگ شیعه چون شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و راویان مشهور شیعه را که از شاگردان امام محمدباقر و امام جعفر صادق و دیگر امامان معصوم(ع) بودند، نکوهش کرد. او تا آنجا که توانسته، به تخطئه مذهب و عقاید شیعه پرداخته است.

شیخ عبدالجلیل در آن زمان در مدرسه بزرگ خود در ری، به درس و بحث اشتغال داشت و از عالمان بزرگ به ویژه در علم کلام بود. سید مرتضی قمی، از مفاخر و اعیان شیعه و از بزرگان بانفوذ ری، از میان علمای شیعه، شیخ عبدالجلیل را برگزید تا ردی بر کتاب بعض فضایح الروافض بنویسد. شیخ عبدالجلیل به خوبی از عهده این کار مهم برآمد و با نگارش ردی بر این کتاب، حقی بزرگ بر گردن شیعه دارد. اثر ارزشمند شیخ عبدالجلیل (النقض)، افزون بر آنکه جوابی کوبنده به دشمن بود، دربردارنده بسیاری از مطالب مهم تاریخی، رجالی، جغرافیایی و کلامی است.(۲)

۱- مفاخر اسلام، ج ۳، صص ۴۲۵ ۴۳۳.

۲- حر عاملی، امل الآمل، تصحیح: احمد حسینی، ج ۲، ص ۱۷.

ص: ۸۱

سه ابوالقاسم زمخشری خوارزمی (۴۶۷ ۵۳۸ ه.ق)

وی نحوی، لغت شناس، متکلم، متعزلی و مفسر بزرگ معاصر طبرسی است که به دلیل طول اقامتش در بیت الله الحرام، به «جارالله» معروف است. معروف ترین اثر زمخشری، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، معروف به الکشاف، در تفسیر قرآن است.

اهمیت و اعتبار این تفسیر تا بدان پایه است که حتی اشاعره که به طور جدی با افکار اعتزالی زمخشری مخالف بودند، از نظریه های ادبی و بلاغی او در تفسیرهای خود استفاده کردند. طبرسی پس از به پایان رساندن مجمع البیان، به تفسیر کشاف دست یافت و چنان از نکته های ادبی و بلاغی آن لذت برد که نخست خلاصه ای از آن به نام الکافی الشافی و یا الکاف الشاف تهیه کرد و سپس تفسیری دیگر به نام جوامع الجامع نگاشت و در نوشتن آن از آرا و اندیشه های بلاغی زمخشری بهره برد. زمخشری، نگارش تفسیر قرآن چهار جلدی خود را در کنار خانه خدا و در مکه مکرمه آغاز کرد و پس از دو سال، در سال ۵۲۸ه . ق آن را به پایان رساند.(۱) از دیگر آثار زمخشری، اساس البلاغه، مقدمه الادب و الفائق در غریب حدیث است.(۲)

چهار ابومنصور طبرسی (متوفی ۵۸۰ ه.ق)

ابومنصور، احمد بن علی ابن ابی طالب طبرسی، از جمله محدثان و شخصیت های برجسته شیعه امامیه در قرن ششم هجری است که با شیخ طبرسی و ابوالفتوح معاصر بود. شیخ حر عاملی، وی را عالم، فاضل، فقیه، محدث و مورد اطمینان معرفی می کند.(۳) به احتمال قوی، وی نیز خویشاوند

۱- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، صص ۱۶۰ ۱۶۲.

۳- غلام حسین غلامحسین زاده، آشنایی با جارالله زمخشری، ص ۲۹.

ص: ۸۲

ابوعلی طبرسی است، چنان که صاحب ریاض العلماء در ترجمه احوال صاحب مجمع البیان به آن اشاره کرده است.

شیخ منتجب الدین و ابن شهر آشوب، از شاگردان ابومنصور طبرسی هستند.(۱)

الاحتجاج، از مهم ترین آثار ابومنصور است. این کتاب شامل احتجاجاتی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم(ع) و یاران ایشان با مخالفان و منافقان خود کرده اند. در آخر کتاب نیز توقیعاتی که امام زمان(ع) برای برخی بزرگان و علمای شیعه فرستاده، آورده شده است.(۲)

ج) فعالیت های فرهنگی طبرسی

ج) فعالیت های فرهنگی طبرسی

یک تدریس

چنان که نویسنده تاریخ بیهقی می گوید، علامه طبرسی، رئیس و مدرّس یکی از مدارس بزرگ شیعیان بود «و ایشان در مشهد سناباد طوس متوطن بوده اند... و به قصبه (سبزوار) انتقال کرد، در سنه ثلاث و عشرین و خمس مائه و اینجا متوطن گشت و مدرسه دروازه عراق به رسم(۳) او بود».(۴)

درباره مدرسه دروازه عراق نیز چنین آمده است: «کهن ترین مدرسه (از مدارس سبزوار) به اصطلاح قدیمه، مدرسه فخریه است. این مدرسه در حاشیه جنوبی پیاده رو خیابان بیهق، پس از چهار راه برخورد خیابان بیهق و اسرار، در محل امام زاده یحیی قرار دارد که به مدرسه دروازه عراق یا مدرسه کهنه هم مشهور است. بنای این مدرسه را به فخرالدوله دیلمی نسبت می دهند.»(۵) علامه

۱- طبرسی و مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۹.

۲- طبرسی و مجمع البیان، ج ۲، صص ۴۳۷ ۴۴۱.

۳- چیزی در رسم کسی بودن؛ یعنی تصدی و مباشرت آن را داشتن.

۴- تاریخ بیهقی، ص ۲۴۲.

۵- محمود بیهقی، سبزوار، شهر دیرینه های پایدار، ص ۱۷۱.

ص: ۸۳

طبرسی پس از مهاجرت به سبزوار، به تدریس علوم گوناگون و تعلیم و تربیت شاگردان بزرگ و تألیف و تصنیف کتاب های ارزشمند پرداخت. امروزه شاگردان علامه طبرسی در شمار ناموران شیعه و آثارش جزو برجسته ترین آثار در علوم و فنون فارسی است.(۱) با نگاهی به فهرست شاگردان وی، عظمت خدمات فرهنگی این عالم بزرگوار را درمی یابیم.

دو تفسیر و تألیف

عصر طبرسی، از دوره های درخشان تفسیر قرآن کریم است. نقش طبرسی به عنوان یک مفسر، بی تردید روشن ترین افق زندگانی اوست. در دیگر فصول درباره این موضوع بحث شده است. ازاین رو، از تکرار آن خودداری می کنیم.

وی افزون بر تفسیر، در دیگر علوم اسلامی، آثار ارزشمندی را نگاشته است. در تاریخ بیهقی چنین آمده است:

و این امام در نحوه فرید عصر بود ... و در علوم دیگر به درجه افادات رسیده و او را اشعار بسیار است که در عهد صبی (جوانی) انشاء کرده است و در کتاب وشاح، بعضی از آن را آورده ام و در علوم حساب و جبر و مقابله مشارالیه (مورد توجه) بود.(۲)

در بخش آثار طبرسی، در این باره به تفصیل بحث شده است.

سه عامل وحدت میان مسلمانان

اختلاف ها و تنش های مذهبی، از مشکلات عصر علامه طبرسی بود که خشونت های بسیاری در پی داشت. سران مذاهب اسلامی با طرح مسائل اختلاف انگیز، به دشمنی ها دامن می زدند و به جای تکیه بر اصول و عقاید

۱- مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲- اندیشه سیاسی طبرسی، ص ۷۸.

ص: ۸۴

مذهبی مشترک، تعصب و دشـمنی را پیشه خود ساخته بودند. در میان مؤلفان و مصنفان، کمتر کسی را چون طبرسی می توان یافت که کلامش از طعن و اعتراض به مخالفان طریقه خود خالی باشد. وی با پیروی از سیره پیشوایان شیعه امامیه، دفاع از اصول و مبانی شیعه را با حفظ اعتدال و به دور از تعصب و افراط و پرهیز از غلو، در آمیخته بود و به نزدیک ساختن اندیشه های مذاهب اسلامی، خدماتی بسیار کرد.(۱)

چهار فقاهت

اگرچه طبرسـی با تفسیر مجمع البیان شناخته شـده است و وی را یک مفسر می داننـد، ولی آثار متعدد وی گویای تبحرش در فقه است. طبرسـی در کتاب های تفسیری به بیان مباحث فلسفی، کلامی، فقهی و اخلاقی پرداخته و در کنار آنها کتاب های دیگری نیز نگاشـته است. برای مثـال، وی در علم کلام، کتـاب اعلام الوری، و در علم فقه افزون بر مطـالبی در تفسـیر آیـات، کتـابی با عنوان المؤتلف من المختلف بین ائمه السلف را در دو جلـد نگاشـته است. طبرسـی در این کتـاب فقهی که آن را بر اسـاس کتاب خلاف شیـخ طوسـی نگاشـته، نظر فرقه های گوناگون شـیعه و سـنی را بیان کرده است. وی در طرح مسائل کتاب به جمع اقوال کوشـیده و هرگاه نظر اهل سنت را نادرست دانسته، بر دیدگاه امامیه خویش تأکید کرده است.(۲)

علم فقه که فن استـخراج و استنباط احکام از مدارک آن چون کتاب، سـنت، اجماع و عقل است، از جمله دانش های دقیقی اسـت که علامه در آن صاحب نظر بود. افندی در ریاض العلماء می نویسد:

۱- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۵۵.

۲- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۲۴.

ص: ۸۵

اجتهاد طبرسی، روشن تر از آن است که نیاز به دلیل داشته باشد؛ چراکه مخالف و موافق، به مرتبه اجتهاد بلکه برتر از آن برای وی اذعان کرده اند.(۱)

این فقیه و مفسر بزرگ، افزون بر تصدی کرسی درس فقه و تربیت ده ها مجتهد مانند شاذان بن جبرییل و قطب الدین راوندی، با توجه به وجود پانصد آیه قرآن که بر احکام و عبارات و معاملات اشاره دارد، به طرح موضوع های فقهی در دو تفسیر کبیر و وسطِ خود پرداخته است. او ابتدا اقوال فرقه های مختلف اسلامی را بیان کرده و پس از شرح دیدگاه شیعه، نظر خود را به گونه فتوا بیان کرده است.(۲)

۱- دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، ص ۱۰۹.

۲- تاریخ بیهقی، ص ۲۴۳.

ص: ۸۶

ص: ۸۷

فصل پنجم: داستان هایی درباره علامه طبرسی

اشاره

فصل پنجم: داستان هایی درباره علامه طبرسی

زیر فصل ها

۱. سبب تألیف مجمع البیان

۲. به خواب دیدن حضرت موسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. سبب تألیف مجمع البیان

۱. سبب تألیف مجمع البیان

از داستان های عجیبی که به علامه طبرسی نسبت داده اند، داستان سکته طبرسی و نجات او از مرگ است. این ماجرا اول بار در ریاض العلماءِ افندی بیان شده است.

«از غرائب احوال و کرامات شیخ طبرسی که مشهور است، این است که وی را سکته افتاد. پس از غسل و کفن، به خاکش سپردند. قضا را در گور به هوش آمد. چون خود را بدان حال دید، نذر کرد که اگر نجات یابد، کتابی در تفسیر قرآن تألیف نماید. در آن حال، کفن دزدی از آنجا می گذشت. چون قبر تازه ای یافت، به طمع سرقت کفن، گور را نبش کردن گرفت و هنگامی که نبش قبر کرد و به کندن کفن مشغول شد، یک باره وی دست نباش را گرفت. نباش شگفت زده شد و بسیار ترسید. وقتی با نباش صحبت کرد، ترس او بیشتر شد. بنابراین، به نباش گفت: نترس! من زنده هستم، تنها سکته ای بر من عارض شد. خویشانم مرا به گمان آنکه مرده ام، به خاک سپردند. سپس از قبر برخاست، ولی از شدت ضعف قادر به راه رفتن نبود.

ص: ۸۸

نباش او را به خانه رساند و علامه به خاطر نذری که کرده بود، شروع به تألیف مجمع البیان کرد».(۱)

نخستین کسی که درباره صحت این واقعه تردید کرد، محدث نوری (متوفی ۱۳۲۰ه .ق) است که در المستدرک خود می نویسد: «با وجود شـهرت این حـادثه، من این واقعه را در هیـچ جـا قبـل از این کتـاب ریـاض العلماء ندیـدم و چه بسا این واقعه، درباره فتـح الله کاشانی، مفسر منهج الصادقین باشد».(۲)

نویسـنده کتـاب ریحانه الادب، پس از آنکه این داسـتان عجیب را به نقل از روضات الجنات خوانساری و ریاض العلماء افنـدی نقل می کند، می گوید:

در قصص العلماء، نظیر قضیه مذکور را به آقامحمدهادی، پسر صالح مازندرانی و دخترزاده علامه مجلسی نسبت داده و گوید که از مشاهیر فضلا بوده و تألیفات بسیار داشته، از آن جمله است ترجمه قرآن کریم با شأن نزول و نیک و بد استخاره آیات. سبب نوشتن آن چنین بود که وقتی سکته کرد یا مرض صرع که او داشته طول کشید، او را به خاک سپردند و الخ... .(۳)

در همین کتاب آمده است: «خوانساری در روضات الجنان این قضیه را به ملافتح کاشانی هم نسبت داده است».(۴)

نـادرست بودن چنین داسـتانی، آشـکار است. نخست آنکه این داسـتان در هیـچ یک از مؤلفات پیشـینیان، چنان که فاضل نوری نیز بدان اشارات کرده، به نظر نرسیده و حتی مستند صاحب ریاض نیز شهرت محض بوده است. علاوه بر غیر عقلانی و غیر عادی بودن چنین حادثه فی نفسه به فرض صحت این واقعه،

۱- ریاض العلما و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲- شیخ طبرسی، امام المفسرین، ص۴۲.

۳- ریحانه الادب، ج۴، ص ۳۷.

۴- ریحانه الادب، ج۴، ص ۳۷.

ص: ۸۹

انتساب آن به شیخ طبرسی درست نیست؛ چه آنکه وی در مقدمه مجمع البیان، هیچ اشاره ای به آن نکرده و انگیزه تألیف کتابش را چنین وصف می کند:

از آغاز جوانی و ریعان شباب، مرا به فراهم آوردن کتابی در تفسیر رغبتی وافر بود، لکن حوادث روزگار و موانع دهر غدار، این مهم را در عقده تأخیر و تعذّر می داشت و اکنون که سالیان عمر من به شصت برآمده، عنایت مولی ابی منصور، محمد بن یحیی بن هبه الله، در انحلال این عقده و تحقق این مهم دستگیر و پایمرد شد.(۱)

بنابراین، کلام مفسر، خود، حجت قاطع به رد این داستان می تواند باشد».(۲)

۲. به خواب دیدن حضرت موسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۲. به خواب دیدن حضرت موسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

افندی در ریاض العلماء، داستان دیگری نیز به طبرسی نسبت می دهد. که به این شرح است: «طبرسی در تفسیر سوره (طه) یا یکی دیگر از سوره های قرآن، در ذیل قول خداوند: «وَمَا تِلْکَ بِیَمِینِکَ یَا مُوسَی» (طه: ۱۷)، آورده «پیغمبر صلی الله علیه و آله را به خواب دیدم، درحالی که حضرت موسی در خدمت او بود و از پیغمبر در باب این حدیث «عُلماءِ اُمّتی کَانبیاءِ بَنی إسراییل» سؤال می کرد که چگونه علمای امت تو، همانند پیامبران بنی اسرائیلند. فرمودند: به سبب دانششان. گفت: از این بیان کدامین گروه را خواسته ای؟ طبرسی می گوید: «در اثنای این حال من داخل شدم ، پیغمبر به سوی من اشارتی کرد و گفت: «وی یکی از آنان است» حضرت موسی چون این بشنید، به من باز نگریست و پرسشی کرد و پاسخی مناسب شنید. سپس گفت: این پرسش را پاسخ فلان جمله یا بهمان کلمه بود. از چه روی سخن را به درازا کشانیدی؟ عرض کردم که خداوند نیز تو را از عصا پرسید، آنجا که فرمود: «وَمَا تِلْکَ

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۰.

۲- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۷.

ص: ۹۰

بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى»، از چه روی در پاسخ، اطناب روا داشتی و گفتی «هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى» (طه: ۱۸) و حال آنکه اگر تنها به ذکر «هِی عَصای» بسنده کرده بودی، کافی می نمود. آن حضرت فرمود: نیک گفتی و مرا تلطفی نمود و گفت: به راستی که «عُلماءِ امتی کَانبیاء بَنی إسرائیل» روی در صواب دارد».(۱)

حسین کریمان می نویسد: «این داستان در مجمع البیان و جوامع الجامع در سوره طه در تفسیر «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى» مذکور نیست و در تفسیر سوره دیگر نیز تا آنجاکه در حوصله تفحص نگارنده بود، یافته نشده است».(۲)

آیت الله جعفر سبحانی نیز می گوید: «در تمام نسخه هایی که از مجمع در دست ما بود، چنین چیزی مشاهده نکردیم».(۳)

۱- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۵۹.

۲- طبرسی و مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳- شیخ طبرسی، امام المفسرین، ص ۴۷.

ص: ۹۱

فصل ششم: با برنامه سازان

اشاره

فصل ششم: با برنامه سازان

زیر فصل ها

سوژه هایی برای برنامه سازی درباره علامه طبرسی

سوژه هایی برای برنامه سازی درباره علامه طبرسی

معرفی دانشمندان اسلامی

تفرش، شهر نخبگان

طبرسی و اقامت او در مشهد الرضا

مدارس شیعی سبزوار

خاندان طبرسی

وضعیت شیعه در عصر طبرسی

خدمات خواجه نظام الملک به فرهنگ ایران

دانشمندان مدفون در حرم امام رضا(ع)

وضعیت فرهنگی ایران در عصر سلجوقیان

اوضاع مدارس در دوره سلجوقیان

مدارس نظامیه و تأثیر آن در گسترش علم

معاصران طبرسی

سیره و رفتار طبرسی

ص: ۹۲

اخلاق فردی طبرسی

اخلاق اجتماعی طبرسی

اخلاق علمی طبرسی

نقش طبرسی در فرهنگ طبرسی

جایگاه مجمع البیان در میان تفاسیر شیعه و اهل سنت

نقش مجمع البیان در اعتلای فرهنگ شیعه

زندگی طبرسی، الگویی بر جوانان

تأثیر طبرسی بر حوزه علمیه

طبرسی و تدریس

نقش طبرسی در ایجاد وحدت میان مسلمانان

جایگاه طبرسی در فقه اسلامی

مشاجره ها و مناقشه های مذهبی در عصر سلجوقی

وضعیت سیاسی ایران در عصر طبرسی

رابطه سلاجقه با خلافت عباسی

وضعیت خلافت عباسی در عصر سلجوقیان

موضع گیری طبرسی در برابر حکومت

اندیشه سیاسی طبرسی

عدالت در اندیشه سیاسی طبرسی

رفتار و مشی سیاسی طبرسی

نقش عالمان در حکومت اسلامی.

گروه کودک و نوجوان

گروه کودك و نوجوان

ساختن فیلم ها و سریال های داستانی درباره شخصیت های بزرگی چون طبرسی، می توانـد کودکان و نوجوانان را با زندگی این بزرگان آشنا کند تا در

ص: ۹۳

ذهن خود الگوهای ارزشمندی را پرورش دهند. آشنایی کودکان با زندگی چنین شخصیت هایی موجب می شود آنان به جای الگو قرار دادن قهرمانان غربی، به بزرگان و قهرمانان بومی و اسلامی توجه کنند و این الگوپذیری، بی شک، در بزرگ سالی آنان اثرگذار خواهد بود.

افزون بر این، وضعیت مدارس و مکتب های قدیم، برای کودکان امروز جذابیت ویژه ای دارد. آنان باید با وضعیت مدارس، قوانین حاکم بر این مدارس، شرایط سنی کودکانی که در آنجا درس می خواندند، مواد درسی و مانند آن آشنا شوند تا بدانند بزرگانی مانند علامه طبرسی در چه شرایطی درس خوانده و چگونه توشه علمی خود را فراهم آورده اند.

گروه معارف اسلامی

گروه معارف اسلامی

بیشترین فعالیت علمی طبرسی در حوزه دین و تفسیر قرآن بود. ازاین رو، مسئولیت اصلی برنامه سازی در این باره بر عهده گروه معارف است. گروه معارف باید با تشکیل گروه های تخصصی از علما و فضلا، درباره زندگی علامه طبرسی و دیگر مفسران شیعه، تفسیر قرآن و اهمیت آن در گسترش آموزه های اسلامی، جایگاه تفسیر مجمع البیان در میان تفاسیر اسلامی، نقش مذهبی، فرهنگی و سیاسی علامه در عصر خود، نقش دانشمندان اسلامی در ساختن فرهنگ اسلامی بحث کنند. این بحث ها می تواند به صورت سخنرانی دانشمندی دینی یا به صورت مباحثه میان چند متخصص دینی و قرآنی باشد.

تفسیر قرآن، موضوع بسیار مهم و جذابی برای جوانان و دانشجویان است. بیشتر جوانان به موضوع تفسیر قرآن علاقه دارند، به ویژه اگر استادان این حوزه و به صورت تخصصی این تفسیر را برای جوانان مطرح کنند.

ص: ۹۴

می توان با معرفی تفاسیر، مقایسه آنها با هم، خواندن تفسیر یک آیه از چند اثر تفسیری گوناگون و برگزاری سلسله نشست های رسانه ای با موضوع تفسیر قرآن، اشتیاق و توجه جوانان را به این موضوع بیشتر کرد.

برای حضور هرچه بیشتر قرآن در زندگی عملی مردم باید کوشید. به نظر می رسد تمرکز کردن در موضوع تفسیر به صورت مباحثه ای و سخنرانی راهکار خوبی در این زمینه باشد. البته این بدان معنا نیست که برنامه ها تخصصی باشد، بلکه در کنار این برنامه های تخصصی می توان به ساختن برنامه هایی برای قشرها و مخاطبان گوناگون مردم پرداخت. گروه معارف با ساختن فیلم و سریال از زندگی دانشمندان و مفسران شیعی می تواند این هدف را محقق سازد.

گروه تاریخ

گروه تاریخ

این گروه می تواند برنامه های خود را به دوره سلجوقیان و حوادث آن دوره اختصاص دهد. سال هایی از زندگی طبرسی در بخشی از سلسله بزرگ سلجوقیان گذشته است و سلجوقیان نقش بسیار مهمی در تاریخ، فرهنگ، سیاست و مذهب این سرزمین داشته اند. بنابراین، گروه تاریخ صدا و سیما می تواند درباره حوادث عصر سلجوقی، سلاطین سلجوقی (چون آل ارسلان، ملک شاه، طغرل)، وزرای بزرگ سلجوقی چون خواجه نظام الملک و فعالیت های آنها برنامه های گوناگونی بسازد. همچنین درباره وضعیت مذهبی ایران در عصر طبرسی، وضعیت شیعیان، نقش خواجه نظام الملک در گسترش فرهنگ و مذهب، مدارس نظامیه، مدارس شیعی و نقش طبرسی در رفع مشاجره های فرقه ای و مذهبی می توان برنامه هایی متنوع ساخت تا عامه مردم و جوانان با تاریخ این سرزمین بیشتر آشنا شوند. ساخت فیلم های داستانی، مصاحبه با کارشناسان تاریخ و مباحثه کارشناسان دینی و تاریخی از مهم ترین فعالیت ها در این زمینه است.

ص: ۹۵

گروه مسابقه و سرگرمی

گروه مسابقه و سرگرمی

گروه مسابقات صدا و سیما می تواند با طراحی مسابقه های رسانه ای با موضوعیت قرآن و تفسیر و مفسران و دانشمندان شیعه و سنی، برای عامه مردم انگیزه و اشتیاق ایجاد کند.

گروه فیلم و سریال

گروه فیلم و سریال

زندگی پر فراز و نشیب علامه طبرسی، حوادث تاریخی دوره سلجوقیان، زندگی خواجه نظام الملک و مدارس نظامیه و وضعیت این مدارس در جامعه اسلامی می تواند موضوع ساخت فیلم یا مستند تاریخی جذاب باشد.

پرسش های مصاحبه ای

پرسش های مصاحبه ای

زادگاه علامه طبرسی کجاست؟ (طبرستان یا تفرش)

خاندان علامه چه کسانی هستند؟

چه کسانی با طبرسی معاصر بودند؟

دلیل مهاجرت طبرسی از مشهد به سبزوار چیست؟

طبرسی آثار خود را در چه زمینه هایی نگاشته است؟

علامه طبرسی در میان مفسران اسلامی چه جایگاهی دارد؟

چرا مجمع البیان طبرسی جایگاه ویژه ای در میان تفاسیر دارد؟

آیا مجمع البیان در میان مسلمانان اهل تسنن نیز جایگاهی دارد؟

خدمات علمی طبرسی را توضیح دهید؟

وضعیت تفسیر در قرن ششم چگونه بود؟

تفسیر مجمع البیان چه ویژگی هایی دارد؟

درباره سیره و اخلاق فردی و اجتماعی طبرسی توضیح دهید؟

آیا طبرسی با حکومت وقت ارتباط داشت ؟

ص: ۹۶

موضع گیری سیاسی طبرسی در برابر حکومت چگونه بود؟

عدالت در اندیشه سیاسی طبرسی به چه معناست؟

رابطه عالم با حکومت از دیدگاه طبرسی چگونه بود؟

علامه طبرسی در فقه چه جایگاهی دارد؟

درباره دیدگاه های کلامی طبرسی توضیح دهید؟

وضعیت شیعه در عصر طبرسی چگونه بود؟

وضعیت مدارس دینی در عصر طبرسی چگونه بود؟

درباره نقش طبرسی در ایجاد وحدت اسلامی توضیح دهید؟

پرسش هایی برای گفت وگو با مردم

پرسش هایی برای گفت وگو با مردم

چقدر با مفسران شیعه آشنایی دارید؟

مطالعه تفسیر قرآن را چقدر ضروری می دانید؟

مطالعه تفسیر قرآن در زندگی شما چقدر نقش دارد؟

به نظر شما آشنایی با تفاسیر قرآن و مفسران چقدر اهمیت دارد؟

آیا در مطالعه های خود زمانی را به مطالعه تفاسیر قرآن اختصاص می دهید؟

چقدر با تفاسیر شیعه آشنایی دارید؟

معرفی کارشناسان

معرفی کارشناسان

استاد حسین کریمان

استاد محمدباقر پور امینی

استاد جعفر سبحانی

غلام رضا جلالی

رسول جعفریان

نورالله کسایی

عباس قدیانی

ص: ۹۷

محمود بیهقی

رضا واعظی

ملیحه ستارزاده

علی فصیحی

بهاءالدین خرمشاهی

محمدهادی معرفت

ص: ۹۸

ص: ۹۹

ص: ۱۰۰

ص: ۱۰۱

کتاب نامه

کتاب نامه

آقابزرگ تهرانی، الذریعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه .ق.

ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ ه .ق.

افندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، قم، مطبعه الخیام، ۱۴۰۱ ه .ق.

امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، بی تا.

ایازی، سیدمحمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.

باثورت، سلجوقیان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، مولی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضع، البلدان، نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، ۱۹۵۷ م.

بویل، تاریخ ایران کمبریج (جلد ۵)، ترجمه: حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶.

بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهقی، تصحیح: احمد بهمنیار، تهران کتاب فروشی فروغی، چاپ سوم، ۱۳۶۱.

ص: ۱۰۲

بیهقی، محمود، سبزوار، شهر دیرینه های پایدار، مشهد، کتابستان مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰.

پور امینی، محمدباقر، دیدار با ابرار (علامه طبرسی)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه (از کلینی تا خمینی)، قم، معارف اسلام، ۱۳۶۴.

جلالی، غلام رضا، با مشاهیر مدفون در حرم امام رضا(ع) (جلد ۱)، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

حرّ عاملی، امل الآمل، تصحیح: احمد حسینی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۶۲.

حلمی، احمد کمال الدین، دولت سلجوقیان، ترجمه: عبدالله ناصری طاهری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.

خرمشاهی، بهاءالدین، قرآن پژوهشی، تهران، انتشارات ناهید، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.

ذهبی، محمدحسین، التفسیر والمفسرون، بیروت، دارالکتب الحدیثه، ۱۹۸۲ م.

التفسیر و المفسرون، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ه .ق.

رئیس السادات، سید حسین، اندیشه های کلامی شیعه، مشهد، نشر جلیل، چاپ اول، ۱۳۸۲.

راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، نگاه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

رضایی، عبدالعظیم، گنجینه تاریخ، تهران، اطلس، چاپ اول، ۱۳۷۸.

سبحانی، جعفر، شیخ طبرسی، امام المفسرین، قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۳۸۲.

ص: ۱۰۳

ستارزاده، ملیحه، سلجوقیان، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

شهیدی صالحی، عبدالحسین، تفسیر و تفاسیر شیعه، قزوین، حدیث امروز، چاپ اول،۱۳۸۱.

قمی، عباس، سفینه البحار، قم، دارالاسوه، ۱۴۱۴ ه .ق.

صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

طبرسی، مجمع البیان (جلد ۱)، تصحیح: رسول محلاتی، ۱۴۰۶ ه .ق.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحمان، طبقات مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۲.

غلام حسین زاده، غلام حسین، آشنایی با جارالله زمخشری، عشق آباد (ترکمنستان)، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۲.

فصیحی، علی، «اسباب نزول در تفسیر مجمع البیان»، فصل نامه پژوهش های قرآنی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

قدیانی، عباس، فرهنگ و تمدن، تهران، فرهنگ مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۴.

کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.

کاظم سراجی، ناصر، الطبرسی و منهجه فی التفسیر اللغوی، بیروت، دارالمرتضی، مطبعه الاولی، ۱۴۲۰ ه .ق.

مدرسی، محمدعلی، ریحانه الادب، تهران، خیام، چاپ اول، ۱۳۷۴.

مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴.

مظفر، محمدحسین، تاریخ شیعه، ترجمه: سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

ص: ۱۰۴

معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول، ۱۳۸۰.

واعظی، رضا، اندیشه سیاسی طبرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۲.

همدانی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، تصحیح: محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، چاپ اول.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹